

اکثريت

۳۳۳

دوشنبه ۲۴ دیماه ۱۳۶۹ برابر ۱۴ آذرماه ۱۹۹۱ - سال هفتم - شماره

حفظ صلح، به هر قیمت

در تاریخ کمتر سابقه دارد که یک جنگ، ورود شوم خود را چنین با طمانینه از قبل اعلام کند. اگر هم با عدم عقب نشینی عراق از کویت، صبح روز ۱۶ ژانویه جنگ آغاز نشود، برای آدم کشی برنامه زمان بندی معینی در نظر گرفته اند و اعلام هم کرده اند، مثلاً از پانزدهم ژانویه تا پانزدهم فوریه، یا پانزدهم مارس. به هر حال فاصله ای در همین حدود.

جنگ، به زبان خشک و سرد تاریخ نویسی هائی که دستی از دور بر آتش دارند، ادامه سیاست با وسایل دیگر است. اما جنگ برای مردمی که این بلا به سر آنها می آید، چیز دیگری است: مرگ ناگهانی، مرگ تدریجی، مرگ جگر گوشه ها، ویرانی خانه و کاشانه، مرگ شیمیائی، مرگ "متعارف" آوارگی، بیماری، گرسنگی، تباهی... برای مردمی که بالای جنگ بر سر آنها فرو می آید، مصیبت بدتری وجود ندارد. جنگ برای آنها یعنی عدم زندگی.

امروز مردمی که بالای جنگ احتمالی آمریکا و عراق بر سر آنها فرو می آید، بسی بی دفاع و بی پناه مانده اند. در تحلیل ها و محاسبه های "کارشناسان" از تلفات و خسارات احتمالی، جانی برای تعداد عراقی ها و کویتهائی که قربانی خواهند شد، وجود ندارد. می گویند آمریکا در وهله اول از حمله زمینی خودداری خواهد کرد و نخست به مدت چندین روز، شاید دو یا سه هفته، از هوایر شهرهای عراق و کویت آتش خواهد بارید.

می گویند اگر در برابر عقب نشینی از کویت، به کنفرانس خاور میانه تن دهیم، این یعنی تشویق متجاوز. پس نرمش نشان نمی دهیم: خروج بی قید و شرط.

صدام حسین می گوید تسلیم بی قید و شرط یعنی خیانت به اعراب، خیانت به فلسطینی ها، پس عقب نمی نشینیم. هر چه بادا باد.

جرج بوش در واشنگتن است. موشکهای عراق به واشنگتن نمی رسند. صدام حسین هم پناهگاه های مجهز دارد. به زحمت بتوان تصور کرد که خود او از یک جنگ احتمالی آسیبی ببیند. جرج بوش و صدام حسین، اگر کسی به آنها بگوید که خواهان حفظ صلح به هر قیمت است، پیشانی خود را چین خواهند انداخت و از او خواهند پرسید: "مگر دیوانه شده ای؟" البته ممکن است صدام حسین، سؤال کننده را تیرباران هم بکند، و جرج بوش متهم دانه تر رفتار کند.

اما برای کسی که قرار است بمب و گلوله بر سر او بیارد، حفظ صلح به هر قیمت، تنها مشروع، که تنها راه مشروع است. و برای قربانیان آتی جنگ احتمالی، همه آنهائی که می توانستند کاری کنند که جنگ در نگیرد و چنین نکرند، قاتلند.

در جنگ احتمالی خلیج فارس، نه اخلاق مطرح است، نه اصول حاکم بر مناسبات میان ملتها، نه نظام جدید امنیت جهانی. اگر دل صدام حسین به حال فلسطینی ها سوخته بوده، ده سال پیش جنگی را بر راه نمی انداخت که برنده اصلی آن اسرائیل بود. و اگر آمریکا نگران خدشه دار شدن اصل همزیستی مسالمت آمیز کشورها می بود، اسرائیل را وادار به خروج از مناطق اشغالی فلسطین می کرد، تجاوز عراق به ایران را محکوم می کرد، ماجرای ایران گیت را به راه نمی انداخت، خود به گرانادا و پاناما حمله نمی کرد...

بقیه در صفحه ۳

جهان در التهاب مذاکرات ژنو به شکست انجامید

فاروق قدومی از مقامات عالی رتبه سازمان آزادیبخش فلسطین و سید احمد قزالی وزیر خارجه الجزایر به ژنو همزمان با ادامه گفتگوها در بعدازظهر، امیدهایی را برانگیخت. فاروق قدومی در همان هتل محل مذاکرات مستقر شدند.

در وقفه نیم روزی، بیکر و طارق هزیز فرصت یافتند با

سرسختانه آمریکا و عراق در مذاکرات ایستاده بود، برای چند ساعت جایی خود را به خوش بینی محضاطانه ای داد. مارلین فیتزواتر، سخنگوی کاخ سفید، پس از دور اول گفتگوها، مذاکرات را "بامحتوا" نامید. وی با این جمله که "مادر بطن قضیه هستیم" از دادن توضیح بیشتر خودداری کرد. ورود

دور اول مذاکرات، دوساعت و نیم به طول انجامید. آنگاه طرفین، جلسه را به مدت یک ساعت تعطیل کردند و قرار گذاشتند پس از این وقفه، به مذاکرات ادامه دهند. گفتگوها در بعدازظهر ادامه یافت و بعد از یک وقفه کوتاه دیگر، جلسه سومی نیز برگزار شد. ظاهراً طرفین بیش از آنچه پیش بینی می شد، حرف هایی داشتند که به هم بزنند. فضای بدبینانه ای که با موضع گیری های

جمیز بیکر، وزیر خارجه آمریکا، قبل از ملاقات با طارق هزیز همتای عراقی اش در ژنو، به لندن و پاریس سفر کرد. وی به میتران رئیس جمهور فرانسه گفت که به احتمال زیاد، دیدارش با طارق هزیز زیاد طول نخواهد کشید. اما چنین نشد. هیات های آمریکایی و عراقی، مذاکرات خود را در هتل اینترکننتینال ژنو را در ساعت یازده صبح روز چهارشنبه ۹ ژانویه شروع کردند.



مانور بزرگ در مرز عراق

اطلاعات منتشره این مانور ۶۰۰ کیلومتر از مرزهای ایران را دربر می گیرد و ۱۲۰۰ تانک، ۵۰۰ جنگنده بمب افکن و ۳۰۰ هزار نفر در آن شرکت خواهند داشت. چنین نیروی عظیمی بخش اعظم تمام نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد و رژیم از این طریق همزمان با پایان اولتیماتوم سازمان ملل نیروهای نظامی خود را به حال آماده باش کامل درمی آورد.

بقیه در صفحه ۲

همزمان با نزدیک شدن ۱۵ ژانویه جمهوری اسلامی نیروهای نظامی خود را در مرزهای مجاور عراق به حال آماده باش در می آورد. قائم مقام سپاه پاسداران روز یکشنبه ۱۶ دی ماه اعلام کرد که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مانور زمینی خود را از ۱۶ ژانویه (۲۶ دی ماه) آغاز می کنند. این مانور در استانهای مرزی ایلام، باختران و خوزستان انجام می شود و یکماه به طول می انجامد. مطابق

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت):

صلح به هر قیمت باید حفظ شود!

در صفحه ۲

سفر هیات بلند پایه عراقی به تهران

سیاسی است که پس از برقراری آتش بس بین دو کشور به تهران سفر کرد. هزرت ابراهیم معاون رئیس جمهور و نایب رئیس شورای

ظهور روز سه شنبه ۱۸ دی ماه (۸ ژانویه) یک هیئت عراقی برای ادامه گفتگوها در مورد روند صلح بین دو کشور وارد تهران شده. این هیئت عراقی بلند پایه ترین هیئت

بقیه در صفحه ۲

خامنه ای: مردم را مایوس نکند

بزرگ کردن مشکلات و نادیده گرفتن موفقیتها مردم را ناامید و روحیه آنها را تضعیف کند. وی افزود: امروز هر سخنی که یاس مردم نسبت به جمهوری اسلامی را به دنبال داشته باشد از زبان هر کس که صادر شود، سخن دشمن است. امروز هر کس ملت ایران را ناامید و خدمات پیشرفت ها و تلاشهای موفق جمهوری اسلامی در سطح کشور و مسلمین عالم را کوچک کند از زبان دشمن سخن گفته است.

سخنان خامنه ای هر چند مخالفین حکومت را نیز در نظر دارد اما بطور مشخص متوجه حناحائی از رژیم است که در مخالفت خود با دولت رفسنجانی گوشه هائی از وضعیت ناآهنجار

میان مردم را تلاش دشمنان اسلام خواند و گفت: استکبار جهانی از طریق تبلیغات سوء ادروغ پراکنی و نسبتهای فلتو خیانت آمیز نسبت به جمهوری اسلامی، مسئولان و دولت خدمتگزار می کوشد تا با

پخش کنند و به آن اعتبار بیشتری بدهند، از یک طرف به خاطر ترس از تندروها است و از طرف دیگر به خاطر شرم و خجالت خودشان. آخر نمی شود عملاً تایید کرد که کار رژیمی که با آنهمه وعده های رنگارنگ و شیرین به میدان آمد و آنهمه از وضع سابق بد گفت به جایی رسیده که، اکنون زیرک ترین و قدرتمندترین سیاستمدارانش می خواهد به مردم

بقیه در صفحه ۲

روز چهارشنبه خامنه ای در یک سخنرانی مجدداً مخالفین خود را به شدت مورد انتقاد قرار داد و سخنان آنها را "سخن دشمن" نامید. خامنه ای تضعیف ایمان، روحیه فداکاری و امید در

سخن می گویند او را با شاه مخلوع مقایسه می کنند و زیر گوش مردم چنین زمزمه می کنند که تنها رفسنجانی می تواند وضع را به زمان سابق بازگرداند. اگر هواداران رفسنجانی این شایعات را نمی توانند به صراحتی که در زیر گوش مردم زمزمه می کنند از رادیو و تلویزیون

بقیه در صفحه ۲

تبلیغات درگوشی

ساخته شده است. وی مشکل نیروهای انسانی متخصص را یکی از مشکلات عمده بازسازی نامید. علیرغم ارقام فوق، گزارش های رسیده حاکی از آن است که هنوز هزاران جنگ زده، بی سرپناه آواره نقاط مختلف کشور هستند و کار بازسازی مناطق جنگی بسیار کند صورت می گیرد.

"اگر حزب الهی ها بگذارند، رفسنجانی همه چیز را درست خواهد کرد!" این شاه بیت تبلیغاتی است که هواداران رئیس جمهور و دولت او می کوشد در ذهن مردم فرو کند. در تبلیغات غیر رسمی و شایعات دهن به دهن طرفداران رفسنجانی با صراحت بیشتری

گفت که بازسازی در کشورهای فوق با کمک های قابل توجه خارجی صورت گرفته است، اما تاکنون هیچ کشوری به بازسازی مناطق جنگ زده ایران کمک نکرده و برنامه بازسازی بر استفاده از امکانات داخلی متکی است. رئیس سازمان برنامه و بودجه میزان خسارات مستقیم و غیر مستقیم حاصل از جنگ را ۶۵ میلیارد و ۳۵۳ میلیارد و ۷۴۹ میلیون ریال در منطقه ای به وسعت ۹۶ هزار کیلومتر مربع ذکر کرد. معاون اجرائی رئیس جمهور و مسئول بازسازی گفت از سال ۶۷ تا کنون ۱۴ میلیون و ۶۰۰ هزار متر مربع زیر بنای مسکونی و حدود ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار متر مربع زیر بنای تجاری، فرهنگی و اداری برای حدود ۱۵۸ هزار مهاجر جنگ زده

روز شنبه ۱۵ دی ماه دومین کنفرانس بازسازی مناطق جنگ زده با سخنرانی رفسنجانی، در تهران آغاز به کار کرد. در این کنفرانس گروهی میهمان خارجی و کلیه سازمان ها و نهادهایی که در رابطه با مناطق جنگ زده فعالیت می کنند، حضور داشتند. مطابق گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی کنفرانس فوق، سیاست گذاری، برنامه ریزی، سازماندهی، مدیریت، معماری، تکنولوژی و روش های ساخت و جنبه های اقتصادی، انسانی و محیطی بازسازی را مورد بررسی قرار داد. رفسنجانی در سخنرانی خود ضمن اشاره به بازسازی ویرانی های ناشی از جنگ در کشورهای آلمان، ایتالیا و انگلستان

سفر هیأت بلندپایه عراقی به تهران

بقیه از صفحه اول

فرماندهی انقلاب عراق، سعدون حمادی نخست وزیر این کشور، وزیر مشاور در امور خارجی، وزیر راه و ترابری، ۳ تن از نمایندگان مجلس عراق از جمله اعضای این هیئت بودند. هیئت مذکور در جریان سفر دوازده روزه خود به تهران با هاشمی رفسنجانی، حسن حبیبی معاون اول وی، علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی و تعداد دیگری از مقامات و مسئولین حکومت اسلامی دیدار کرد.

در اطلاعیه رسمی موارد مذاکره اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، آخرین مواضع دولت عراق در مورد بحران، بررسی راه های مسالمت آمیز بحران خلیج فارس و تعمیق مناسبات دو کشور ذکر شد. حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور اسلامی هنگام استقبال از هیئت عزت ابراهیم و هیئت همراه وی گفت: قرار است روند صلحی جامع را دنبال کنیم و امیدواریم در این زمینه مسائل باقی مانده بین دو کشور را بخوبی حل و فصل کنیم و به نتیجه مطلوب برسیم. وی

افزود: در گفتگو با آقای هزرت ابراهیم همچنین راه حل های بحران خلیج فارس را با در نظر گرفتن منافع دنیای اسلام مورد بررسی قرار خواهیم داد. هزرت ابراهیم نیز سخنان مشابهی را به خبرنگاران گفت.

اما در گزارش های رسمی منتشر شده در مورد مذاکرات دو جانبه، به جزئیات مذاکرات اشاره ای نشده است. رژیم جمهوری اسلامی در اخبار و تفاسیر مختصر خود پیرامون سفر هیئت عراقی از افشای جزئیات توافقات پشت پرده و موارد مورد توافق و یا اختلاف خودداری کرد. حکومت ایران تاکنون هرگز توضیح روشن کننده ای از "موارد مورد اختلاف" و موانع برقراری "صلح جامع" بین دو کشور ارائه نداده است. ماه گذشته علی اکبر ولایتی وزیر خارجه رژیم به هنگام سفر خود به فرانسه، در مصاحبه با تلویزیون این کشور آشکار ساخت که عراق قرارداد ۱۹۷۵ را نه بطور کامل و بدون قید و شرط بلکه بصورت دوفاکتور پذیرفته است. علاوه بر این، گفته می شود که در مورد

مانور بزرگ در مرز عراق

بقیه از صفحه اول

هر چند گفته شده است این مانور یک مانور دفاعی است و به خاطر دفاع از تجاوزات احتمالی به مرزهای ایران سازماندهی شده است، اما در محافل وابسته به حکومت تعبیرات دیگری نیز از این مانور صورت می گیرد. روزنامه کیهان طی تفسیری نظرات موجود در حکومت پیرامون بحران خلیج فارس را به سه دسته تقسیم کرد و نوشت یک نظر که اکنون نظر رسمی جمهوری اسلامی است، خواهان بی طرفی در بحران و جنگ احتمالی آینده می باشد. نظر دیگر خواهان استفاده از فرصت بدست آمده و انتقام کشی از کشور عراق است و بالاخره نظر سوم که بیشتر به جریان تدریجی نسبت داده می شود، خواهان اتحاد و همکاری با عراق و مقابله مشترک با "امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع" عرب می باشد.

هر چند سیاست رسمی جمهوری اسلامی حفظ بی طرفی در جنگ است، اما همانگونه که سران رژیم بارها نیز اعلام کرده اند، نمی توانند نسبت به تحولات احتمالی در عراق بی تفاوت بمانند. به نوشته روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز، بخش اصلی نیروهای ایران در نزدیکترین نقطه به بغداد متمرکز خواهند شد و جمهوری اسلامی خواهد کوشید در صورتی که تحولات آینده به سرنگونی حکومت صدام بیانجامد، در تعیین حکومت آینده این کشور و تحولات آتی عراق نقش بازی کند. همزمان با تدارکات نظامی حملات سیاسی جمهوری اسلامی به آمریکا شدت گرفته است. خامنه ای طی هفته های اخیر چندین بار به شدت امریکارامورد انتقاد قرار داد. وی در آخرین سخنرانی خود گفت جمهوری اسلامی و منطقه خلیج فارس کانون نیروی عظیم اسلامی است و ملت های مسلمان اجازه حکمرانی و قدرت نهایی و به دست گرفتن سیاست منطقه را به امریکا و دیگر قدرتهای استکباری

در صورت بروز جنگ ایران به پشت جنبه تبدیل می شود

صلح به هر قیمت باید حفظ شود!

شکست مذاکرات ژنو و پافشاری جنون آمیز جورج بوش و صدام حسین روسای جمهور آمریکا و عراق، جهان را با شتابی فزاینده به سوی جنگی فاجعه بار می کشاند. آمریکا برای کنترل بازار نفت و تأمین آتایی خود بر جهان به زور اسلحه، پرچم آزادیخواهی و مبارزه با تجاوز طلبی به دست گرفته و صدام حسین برای رخنه به آبهای گرم خلیج فارس و ثروتهای بیشمار نفت در کشور کوچک کویت، و تأمین آتایی خود بر منطقه ما دفاع از حقوق مردم فلسطین و "امت عرب" را بهانه کرده است. دو رژیم متجاوز، که در تجاوز طلبی سابقه ای طولانی دارند، در صددند به خاطر منافع بیگانه با مردم عراق، آمریکا و سراسر جهان فاجعه ای بزرگ را رقم بزنند که نتیجه آن، کشتار انسانیایی بیشمار نابودی منابع ثروت کشورهای منطقه ما و نابودی محیط زیست در بخشی از جهان است.

جنگ، هلیبرغم تمامی کوششهایی که برای ناچیز جلوه دادن آن میشود، بهایی فراوان و قربانیان بسیار ببار خواهد آورد. میلیونها انسان در سراسر جهان را به وحشت انداخته و به اعتراض برانگیخته است. اروپا، آمریکا و همه نقاط جهان در این روزهای پر التهاب شاهد نمایش صلح آمیز مردمی است که نمی خواهند با جاری شدن خون انسانهای جریان نفت تأمین شود.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، جنگ را بیرحمانه ترین و وحشیانه ترین و غیر انسانی ترین راه مقابله با بحران خلیج فارس میداند، راهی که نه خواست مردم منطقه و نه خواست مردم جهان است و تنها مورد حمایت و پذیرش مهادودی دولتها و محافل قلدر منش و در رأس آن دولت امریکا قرار دارد.

عراق را میتوان و باید از طریق مسالمت آمیز و ادامه تحریمهای بین المللی و ادار به خروج از کویت ساخت. راهی که زمانی و تحلی بیشتر می طلبد، اما یگانه راه انسانی مقابله با تجاوز طلبی دیکتاتور بغداد است. و از کشتار انسانیایی بسیار و نجاتی غیر قابل پیش بینی جلوگیری میکند. صلح در منطقه خلیج فارس به هر قیمت باید حفظ شود. این فریاد میلیونها مردمی است که در وقوع این جنگ هیچ نقشی ندارند و قربانیان واقعی چنین فاجعه جنون آمیزی هستند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۳ دی ماه ۱۳۶۹
۱۳ ژانویه ۱۹۹۱

روی می آورند و به او امید می بندند. در کنار این روند یاس و سرخوردگی از کل رژیم صرطیف هواداران آن شدت گرفته است سخنان خامنه ای هشدار می دهد علیه این وضع. یاس از حکومت اکنون به طیف هواداران آخوندها و آیت اله ها نیز رخنه کرده است. در سطح جامعه نارضایتی ها فعالیت شده است و خواسته های مطالباتی با شدت بیشتری طرح می شود. اعتصاب معلمان و تیفه خون چکان چند نقطه دیگر به این روحیه دامن زده است. افزایش حقوق ها که تحت فشارهای مستقیم مردم صورت گرفت. آنان را به تحقق خواسته هایشان امیدوار کرده است. اکنون وضع در ایران بگونه ای است و خواسته های مردم چنان مترکم و انبوه گردیده که هر جنبش مطالباتی به سرعت می تواند گسترش یابد. تحقق هر خواسته و مطالبه مردم که فشار کمربلکن اقتصادی را کم تر سازد خود سکوی پرتابی برای خواسته ها و مطالبات بعدی خواهد بود. مردم اگر بتوانند از زیر بار زندگی طاقت فرسا کمر راست کنند خواسته های تازه ای را به میان خواهند آورد.

تضادهای شدید درون حکومت و صف آراییی جناح ها و باند های حکومتی در برابر هم، امکانات رژیم برای مقابله سرکوبگرانه، خواسته های مطالباتی را کاهش داده است و در برخی موارد بستر مناسبی برای گسترش جنبش مطالباتی مردم فراهم می آورد. ارزیابی ما این است که هم در میان حکومت و هم در میان مردم پارامترهای جدیدی در حال شکل گیری است که بر فضای عمومی جامعه تأثیراتی غیر قابل چشم پوشی بر جای خواهد گذارد.

خامنه ای: مردم را مایوس نکنید

بقیه از صفحه اول

حکومتی؟ روندهای مهمی در جریان است. برخی از نیروهای خط امامی، به انتقادات رادیکال از حکومت روی آورده اند نمونه هایی دیده شده که بهمان نسبت که فشار بر این نیروها تشدید شده و تیغه خون چکان ولایت فقیه متوجه اشان گشته است، به نفی بنیانهای ولایت فقیه و طرح محتاطانه شعار آزادی روی آورده و همراه با آن از نیروهای حزب الهی و کل رژیم فاصله گرفته اند. در محافل مذهبی جریان اهاده حیثیت از آیت الله منتظری نیرو می گیرد. بسیاری از خط امامی ها مجدداً به منتظری

تجربه یکبار تکرار شده و شکست خورده است. بدبختی رئیس جمهور اسلامی نیز در همین است. اگر بر فرض محال آقای رفسنجانی در شایعاتی که از سوی هواداران خود زیرکانه در میان مردم پخش می کند، صادق هم باشد و بخواهد و بتواند وضعی مشابه وضع سابق برقرار سازد، تازه در موقعیت حاکمان محکوم به فتنای دوران گذشته قرار می گیرد! مردم ایران وضع فعلی را نمی خواهند. وضع گذشته را هم نخواهند. خواست جامعه ما به راه دیگری نیاز دارد. راهی که به دموکراسی، عدالت، رفاه و پیشرفت بیانجامد. نه آقای رفسنجانی و نه آقایان وابسته به دوران گذشته که هنوز دودستی به سلطنت چسبیده اند، مردان پیهودن چنین راهی نیستند.

اطلاعات ضدو نقیض و در بسیاری موارد غیر واقعی همراه است، ضرورت تحت فشار دادن رژیم آخوندها برای پایان دادن به این دیپلماسی مخفی و ریاکارانه را آشکار می سازد. مذاکرات دو جانبه با عراق، توافقات و اختلافات پشت پرده و چگونگی و میزان پیشرفت روند صلح باید تماماً آشکار و علنی شود تا مردم مستقل از تبلیغات دروغین رژیم بتوانند بر جریان این مذاکرات و پیشرفت روند صلح نظارت کنند و در مورد ادعاهای صلح طلبانه دور رژیم تطاول نمایند.

اقتصادی اجتماعی جامعه را آشکار می سازند. این سخنان "نامید کننده" و در واقع خودافشگری ها از تریبون مجلس اسلامی و مطبوعات وابسته به جناح تند رو در میان مردم پخش می شود و بسیاری از نقشه های رفسنجانی و دولت او را که می خواهند وضعیت اقتصادی و رفاهی مردم را رو به بهبود جلوه دهند و در آنها امید ایجاد کنند، نقش بر آب می سازد. هشدارهای خامنه ای نشانگر واقعیت هشدار دهنده جامعه ماست. در همق جریان قطع نشدنی جنگ و جدالهای دستجات مختلف

انقلاب کنند. مردم انقلاب کردند و آن سیستم را نفی کردند، اگر به ۱۲ سال پیش برگردیم توضیح این اقدام مردم دشوار نخواهد بود. آنچه که اشتباه بود نه مبارزه به خاطر زندگی بهتر بلکه، باور کردن به آخوندهایی بود که در فریب مردم تخصصی طولانی داشتند.

شاید بخشی از مردم این واقعیت را فراموش کرده باشند و حتی در آرزوی زمان سابق باشند اما این فراموشی و این آرزو واقعی نیست، اصالت ندارد، ناشی از زندگی خوب آن زمان نیست، نتیجه بدی بیش از اندازه زندگی این زمان است و از جمله آن فراموشکاری هایی است که گاه به گاه گریبان گروهی را می گیرد. وقتی در این شرایط دشوار تغییر ایجاد شود و مردم بتوانند نفسی تازه کنند، دیگر به آن زندگی نیز راضی نخواهند شد. آن

علامت گذاری مناطق مرزی نیز اختلاف نظری شدیدی بین دو طرف وجود دارد و عراق ادعای تملک بر مناطق نفت خیزی از ایران را دارد.

عدم اشاره مسئولان و دستگاه های خبری ایرانی جمهوری اسلامی به نتایج مذاکرات این حدس را تقویت می کند که اختلافات حل نشده، هم چنان حل نشده باقی مانده اند و طرف نتوانسته اند به نتایج مشخصی دست یابند.

رادیو تهران در بخش خبری پنجشنبه شب و در گزارش خبری ظهر جمعه خود تنها به "تبادل نظر" طرفین حول مسائل اعلام شده اشاره کرد و در مورد نتایج بدست آمده از این سفر سکوت کرد. بنظر می رسد رژیم عراق فشارهای ایران برای گرفتن امتیازاتی، تا قبل از انتضای مجلت اول تیماتوم سازمان ملل برای تخلیه خاک کویت توسط این کشور را با سیاست دفع الوقت پاسخ داده است.

از موضوع مهم دیگر مذاکرات یعنی مذاکره در مورد بحران خلیج فارس نیز هیچگونه گزارشی منتشر نشده است و هنوز روشن نیست طرفین در این زمینه چه پیشنهادهای آرایه کرده و به چه نتایجی دست یافته اند. خودداری رژیم جمهوری اسلامی از بازگویی نتایج واقعی مذاکرات با عراق و چگونگی پیشرفت روند صلح که با انتشار

تبلیغات درگوشی

استبداد، بی عدالتی، تقسیم

جامعه به فقر و ثروت، تورم، گرانی، نابودی کشاورزی، انتشار وسیع فقر زده حاشیه شهرها نیز به یاد خواهد آورد. آن جامعه ای بود که مردم برای نفی آن دست به انقلاب زدند. آن جامعه نسبت به جامعه کنونی امتیازاتی نیز داشت، اما برخلاف تبلیغاتی که سلطنت طلبان و طرفداران رژیم گذشته با شدت تمام مطرح می کنند، مردم از شدت زیاده طلبی و از سر خوشی نبوده که دست به انقلاب زدند. تاکنون در هیچ کجای دنیا دیده نشده است که مردم از شدت و فور نعمت به جان بیایند، کشته بدهند و

بقیه از صفحه اول

بقبولاند که در این رژیم تنها او می تواند اوضاع را به حال سابق برگرداند!

برخی از مردم تبلیغات درگوشی عوامل رفسنجانی را باور کرده اند، برخی نیز نه. برخی از مردم برآستی معتقد شده اند که زمان گذشته وضع خوب بود و برخی نیز نه. اما اگر گروهی از مردم آرزو، دگر گذشته را داشته باشند، شدت بدبختی امروز است. به خاطر رفاهی که در گذشته داشته اند، کسی که بتواند سالهای قبل از ۵۷ را به یاد بیاورد،



تظاهرات کودکان ملیتهای مختلف در نیویورک برای صلح. همه جامردم علیه جنگ و برای صلح به میدان آمدند. در اروپا در روز ۱۲ ژانویه میلیونها نفر علیه "خون برای نفت" شعار دادند. در آلمان ۲۵۰۰۰۰ نفر در شهرهای مختلف این کشور برای صلح همزمان دست به تظاهرات زدند.

مستقیماً به بغداد بازگشت. سفیر عراق در مقر اروپائی سازمان ملل که عضو هیات مذاکره کننده در ژنو بود، پس از شکست مذاکرات اعلام کرد کشورش از ابتکارات جدید صلح استقبال می کند. وی افزود انتخاب میان جنگ و صلح، باید توسط جرج بوش صورت گیرد. این مقام عراقی گفت: "ما برای هر دو حالت آماده ایم، جنگ و صلح و البته بیشتر به صلح تمایل داریم تا به جنگ."

جرج بوش پس از شکست مذاکرات به نوبه خود گفت تصمیم در باره جنگ یا صلح در اختیار صدام حسین است. رئیس جمهور آمریکا از کنگره این کشور خواسته است در یک قطعنامه، مجوز اعمال قهر علیه عراق را صادر کند. با اینکه در پارلمان آمریکا دمکرات ها اکثریت را دارند، پیش بینی می شود کنگره با تقاضای جرج بوش موافقت کند.

پرواز از نیویورک گفت: "وظیفه من به عنوان دبیرکل سازمانی که در قبال صلح تعهد دارد این است که از هیچ کاری برای پیش گیری از یک جنگ دریغ نکنم." گنشر وزیر خارجه آلمان پس از دیدار با پرزود کوئیار گفت نسبت به این مأموریت دبیرکل سازمان ملل خوش بین است. وی افزود جامعه جهانی به عراق امکانات مختلفی برای عقب نشینی از کویت ارائه کرده است.

گفته می شود کشورهای اسکاندیناوی نیز طرحی برای عقب نشینی عراق از کویت ضمن حفظ "آبرو" برای صدام حسین تعبیه کرده اند.

بیکر وزیر خارجه آمریکا پس از شکست مذاکراتش با طارق هزیز برنامه سفرش به منطقه را عوض کرد و بلافاصله هازم عربستان شد تا با ملک نهد پادشاه این کشور دیدار کند. او سفرش به ترکیه را موکول به روز ۱۳ ژانویه کرد. طارق هزیز روز دهم ژانویه

می خواهد برای دیدار با صدام حسین به بغداد برود و به او پیشنهاد کند پس از تخلیه کویت، یک نیروی سازمان ملل در این کشور استقرار یابد. به گفته وزیر خارجه ایتالیا، پیشنهاد این است که در این نیرو، نه سربازان آمریکائی و نه نظامیان سایر کشورهای عضو ائتلاف ضد عراق حضور نداشته باشند.

وزیر دفاع فرانسه از آمریکا خواست با انجام یک "حرکت بسیار کوچک" به صدام حسین امکان "یک حرکت بسیار بزرگتر" را بدهد و او را قادر به عقب نشینی از کویت کند.

خاویر پرزود کوئیار روز جمعه یازدهم ژانویه هازم عراق شد. پیش از آن وی در دیدار با وزیرای خارجه کشورهای بازار مشترک کوشید مواضع خود را با مواضع جامعه اروپا هماهنگ کند، و بدنبال آن از این دیدار اظهار رضایت کرد. پرزود کوئیار در آستانه

گزارش های اولیه، طارق هزیز نمی توانسته در طول مذاکرات با صدام حسین تماس گرفته باشد زیرا هیچ گونه مکالمه تلفنی انجام نداده است. به نظر می رسد صدام حسین از ابتداء طارق هزیز گفته است که هیچ نامه تعدید آمیزی را تحویل نگیرد، و یا طارق هزیز از آنچنان اختیاراتی برخوردار است که بتواند درباره تحویل گرفتن یا نگرستن چنین نامه ای تصمیم بگیرد.

بوش در باره نامه خود گفت که این نامه "نه هاری از نزاکت، بلکه بسیار صریح" بوده است، و افزود آتدر سابقه فعالیت دیپلماتیک دارد که بتواند تشخیص دهد صراحت چیست و بی نزاکتی کدام است. خبرنگاران طی یک کنفرانس مطبوعاتی از بوش پرسیدند چرا برای قضاوت افکار عمومی متن نامه را نمی خواند، و بوش گفت شاید بعداً این متن را منتشر کند تا بلکه از این طریق، محتوای آن به گوش مخاطب اصلی برسد. تلاش وزارت خارجه آمریکا برای دادن یک نسخه از نامه به سفارت عراق در واشنگتن، بی نتیجه ماند. در آنجا نیز عراقی ها از تحویل گرفتن نامه خودداری کردند.

نخستین خبر از بی نتیجه بودن مذاکرات را بیکر اعلام کرد. وزیر خارجه آمریکا به داشتن توانایی پنهان کردن افکار و روحيات خود شهرت دارد، و از این رو وقتی در پشت تریبون کنفرانس مطبوعاتی قرار گرفت، هنوز کسی از حضار از چهره جدی و بدون لبخند او نتیجه نگرفت که مذاکرات شکست خورده است. اما آنگاه، کلمه ای بر زبان بیکر جاری شد که مانند آب سرد بر سر حاضران فرو ریخت: "متأسفانه... آری، طارق هزیز متأسفانه" در طول مذاکرات شش ساعته هیچ نشانه ای بدست نداده که حاکم بغداد متقاعد شده است باید بدون قید و شرط سربازان خود از کویت فرا بخواند.

طارق هزیز در کنفرانس مطبوعاتی خود، برافروختگی اش از دعوت به تسلیم بیکر را پنهان نکرد. او گفت آمریکا در برخورد به اعراب و اسرائیل، دو معیار متضاد دارد. وزیر خارجه عراق گفت بیکر می خواسته فقط درباره بحران خلیج فارس سخن بگوید و نه درباره کل خاورمیانه، نه درباره سلاح های اتمی اسرائیل و نه درباره قطعنامه های شورای امنیت که اسرائیل به آنها بی اعتنا مانده است. شکست گفتگوهای ژنو در سراسر جهان تاسف گسترده ای برانگیخت. خاویر پرزود کوئیار دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد که

جهان در التهاب

بقیه از صفحه اول

نیستند. طارق هزیز هنگام ورود به ژنو اظهار امیدواری کرده بود که مذاکرات، "مثبت و سازنده" باشد، اما افزوده بود عراق در برابر فشار عقب نشینی نخواهد کرد.

بیکر قبل از مذاکرات گفت برای معامله به ژنو نیامده، بلکه هدفش تنها توضیح موضع آمریکاست. وزیر خارجه آمریکا افزود پس از گفتگوهای ژنو دیگر برای دیدار با صدام حسین به بغداد نخواهد رفت. قرار بود بیکر در بعدازظهر روز چهارشنبه هازم ترکیه و چند کشور دیگر خاورمیانه شود، اما به طول انجامیدن مذاکرات برنامه پرواز او را به عقب انداخت.

سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین در ژنو از دادن توضیحات پیرامون هلت ورود فاروق قدومی به ژنو خودداری کرد.

در نزدیکی هتل محل مذاکره، هلیرفم ممنوعیت تظاهرات، حدود ۲۰۰ نفر از اعضای گروه های صلح گردآمده بودند.

اما امیدهایی که به طول انجامیدن برانگیخت، دوام نیافت. دو وزیر خارجه شامگاه چهارشنبه در هتل اینترکننتینتال ژنو، دو کنفرانس مطبوعاتی جداگانه ترتیب دادند و به خبرنگاران گفتند که مذاکرات بی نتیجه مانده است. بیکر گفت طارق هزیز نامه بوش به صدام حسین را تحویل گرفته و آرام و به دقت آن را خوانده، و سپس نامه را پس داده و گفته است چنین متن هاری از نزاکتی برای مکاتبه میان دو رئیس جمهور، مناسب نیست. مسئولان هتل سوئیسی محل مذاکره گفته اند که هلیرفم

پایتخت های خود مشورت کنند. بیکر حدود ۱۵ دقیقه با جرج بوش تلفنی صحبت کرد. سخنگوی کاخ سفید گفت وزیر خارجه ایالات متحده در این مکالمه در مورد روال مذاکرات توضیح داده است.

قبلاً اعلام شده بود بیکر در این مذاکرات، یک نامه جرج بوش به صدام حسین را که به زبان عربی ترجمه شده است، به طارق هزیز خواهد داد. طبق گزارش های منتشره، بوش در این نامه هواتب وخیم در گیری نظامی را به صدام حسین گوشزد کرده بود. بیکر برای توضیح برتری مطلق نظامی آمریکا و متحدانش برای هیئت عراقی، یک عضو شورای امنیت ملی آمریکا و دو نماینده وزارت دفاع این کشور را وارد ترکیب هیات خود کرده بود. از جمله یک ژنرال دوستاره در هیات آمریکایی حضور داشت. به غیر از طارق هزیز، مشهورترین چهره هیات عراقی، بارزان التکریتی برادر ناتنی صدام حسین بود که سفیر عراق در مقر سازمان ملل در ژنو است.

دیدار میان دو هیات در "سالن ملل" هتل صورت گرفت. دو وزیر خارجه با چهره هایی بدون لبخند وارد این سالن شدند و پشت میز مذاکره جا گرفتند. تنها به خواهش خبرنگاران عکاس بود که بیکر و طارق هزیز حاضر شدند دست یکدیگر را بفشارند. هر یک از دو هیات شامل هشت نفر بود.

بلافاصله قبل از مذاکرات، هم بیکر و هم طارق هزیز بار دیگر تاکید کرده بودند دولتهای متبوهشان حاضر به هیچ گونه عقب نشینی در مورد مساله کویت

حفظ صلح، به هر قیمت

بقیه از صفحه اولی

بگوید: "صلح به هر قیمت!" او حق دارد فریاد بزند که من برای حق زندگی خود بیشتر ارزش قائلم تا "حفظ آبرو". صدام حسین یا جرج بوش، او حق دارد هر کس را که توان جلوگیری از جنگ را داشته باشد و چنین نکند، به محاکمه بکشد.

او تنها کسی است که مایباید در این ماجرا مدافع و حامی اش باشیم. همراه با او فریاد "صلح به هر قیمت!" را سردهیم.

نه، در اینجا سخن از اخلاق و اصول نیست. صدام حسین قدرت می خواهد و راه به دریا، جرج بوش، نفت ارزان می خواهد و حساب بردن همه از ابر قدرت یک تازیکنه دنیا، هر کس بدنبال منافع خود است.

پس آنکس که قرار است بمب و آتش بر سر او ببارد، حق دارد بدنبال منافع خود باشد، و حقوق خود را بخواهد. ابتدائی ترین حق خود را بخواهد: حق زندگی. او حق دارد



آغاز دور جدید رکود در اقتصاد آمریکا

دولت بوش را در بین مردم امریکادامن زده است. سقوط تاریخی دلار همچنان ادامه دار است. در صد بیکاری به بالاترین حد خود در چند سال اخیر رسیده است و موج جدیدی از متخصصین نوین نیز به موج بیکاران می پیوندند. ۱۵۰۰ بانک در آستانه ورشکستگی اند. بیلان منتشر شده از طرف وزارت بازرگانی آمریکا کاهش فروش مایحتاج روزانه به میزان ۱۰/۵ درصد در ماه نوامبر ۱۹۸۹ را نشان می دهد. آمریکا در رقابت با کانوهای دیگر سرمایه، همچون اروپای غربی و ژاپن، برای تسخیر بازار تازه باز شده اروپای شرقی، فرصتهای جدی را از دست داده و دولت بوش برای مقابله با سقوط به فقر اقتصادی، فقط به کاهش مالیات اقشار مرفه فکر می کند، راه حلی که کنگره با مخالفت می ورزد.

آی هاملین "رئیس کمیسیون مشترک مشکل اساسی اقتصاد آمریکا را در کسری بودجه نجومی جستجو می کند و معتقد است که بین کاهش مالیات اقشار مرفه و کسری بودجه هیچگونه ارتباطی وجود ندارد. کسری بودجه آمریکا در سال ۱۹۹۰ به ۲۲۰ میلیارد دلار افزایش یافته و در طرحهایی که برای کاهش دادن به میزان ۶۴

دولت او که در چند ماه اخیر سعی داشته اند بحران اقتصادی رو به رشد در ایالات متحده را اپوشانی کرده و آت را نابسامانی گذار جلوه دهند، صورت گرفت برای دولت بوش گزارش کمیسیون مشترک که از اعضای دو حزب جمهوریخواه و دمکرات تشکیل شده است، ضربه کاری ارزیابی می شود.

رکود اقتصادی موجی از ناامیدی و عدم باور به اقدامات

ایالات متحده آمریکا رسماً به رکود اقتصادی اعتراف کرد. کمیسیون اقتصادی مشترک مجالس نمایندگان آمریکا در گزارش سالانه خود آغاز دوره نوین رکود اقتصادی در آمریکا را پس از هشت سال تصریح کرده و خواهان اقدامات جدیدی در مقابله با رکود فزاینده اقتصاد از طرف دولت بوش شده است. گزارش کمیسیون برخلاف میل جرج بوش و دست اندرکاران

میانجی گری فرانسه

فرانسه در صدد است از آخرین روزهای پیش از سر آمدن مهلت تعیین شده توسط سازمان ملل، برای یافتن راه حلی صلح آمیز، استفاده کند. همه چیز بدین بستگی دارد که میانجی بتواند عراق را متقاعد کند عقب نشینی از کویت طبق قطعنامه سازمان ملل، اگر پس از آن یک "نظام امنیت جمعی برای خاورمیانه" ایجاد شود، می تواند با نوبی حفظ آبرو همراه باشد. اصطلاح "نظام امنیت جمعی" را فرانسه ابداع کرده است تا به مقاومت اسرائیل در برابر "کنفرانس بین المللی خاورمیانه" پایان دهد. منابع دیپلماتیک می گویند عراق آماده است از کویت عقب نشینی کند به شرطی که برنامه ای زمان بنده شده برای کنفرانسی پیرامون فلسطین، عقب نشینی آمریکایی ها از عربستان و لغو تحریم های بین المللی علیه عراق ارائه گردد.

میتران پس از شکست مذاکرات ژنو گفت حتی اگر لازم باشد خود به بغداد خواهد رفت، اما افزود که شرایط چنین سفری هنوز آماده نیست.

رئیس دفتر میتران هفته گذشته به الجزیره سفر کرد و با رئیس جمهور الجزایر ملاقات داشت. قرار است ملاقات میان وزرای خارجه کشورهای بازار مشترک و طارق هزیز در الجزیره صورت گیرد.

و فیره است.

فضای سبز و پوشش گیاهی یکی از عوامل موثر در تلطیف و تصفیه هوای آلوده است. استانداردهای بین المللی برای هر شهر وند بطور متوسط متناسب با شرایط خاص جغرافیایی و منطقه ای بین ۱۵ تا ۵۰ متر مربع فضای سبز است. در حالیکه در تهران فضای سبز برای هر نفر ۱/۲ متر مربع می باشد.

برای نجات شهر تهران از آلودگی هوا، حفظ سلامتی مردم و جلوگیری از نابودی فضای سبز می بایست اقدامات عاجل و اساسی صورت گیرد. ولی حکومت جمهوری اسلامی تاکنون به این امر حیاتی توجه جدی نکرده و اقدامات موثر و کارساز انجام نداده است.

بالاخره بعد از هشدارهای متعدد کارشناسان و به مرحله بحرانی رسیدن آلودگی هوای تهران، سران جمهوری اسلامی در هفته گذشته جلسه شورای عالی محیط زیست را تشکیل داده و بعد از بررسی مشکلات محیط زیست و چگونگی کنترل و کاهش آلودگی هوای تهران، کمیسیونی مرکب از عده ای از وزیران دولت جهت تهیه پیشنهادی لازم در این زمینه تشکیل دادند.

آنچه روشن است با اقدامات نیم بند نمی توان بر این معضل شهر تهران غلبه کرد. حفظ محیط زیست و مبارزه برای نجات تهران از آلودگی هوا می بایست به عنوان یکی از ارکان مهم برنامه اقتصادی و اجتماعی تلقی گردد و بودجه لازم به این کار اختصاص یابد.

تشدید آلودگی هوای تهران

از کارخانجات و کارگاه ها است. هر روز بر تعداد جمعیت تهران افزوده می شود. رشد شتابان جمعیت از یکسو موجب تبدیل فضای سبز به مناطق مسکونی شده و از سوی دیگر میزان مصرف سوخت اتومبیل و گرم کننده های خانگی افزایش می یابد. تهران یکی از انبوه ترین و متراکم ترین شهرهای جهان است. رشد سریع جمعیت و تراکم شدید موجب افزایش فعالیت شهری و رفت و آمد می شود. با کمبود وسائل نقلیه عمومی، نیاز به استفاده از ماشین شخصی بشدت بالا می رود. در تهران بیش از ۱/۵ میلیون اتومبیل روزانه در رفت و آمد هستند. بر اساس آمارگیری سال ۶۵، حدود ۶۷۰۰ میلیون لیتر فرآورده های نفتی از قبیل بنزین، نفت سفید، نفت گاز و نفت کوره توزیع شده است. مصرف این مقدار عظیم مواد نفتی در تهران، موجب آلودگی هوای فراهم می سازد.

آلودگی هوا بر سلامتی مردم تهران اثرات ناگوار میگذارد. مردم تهران مجبورند در هر دقیقه حداقل ۱۲ تا ۲۰ بار ریه های خود را با هوای بشدت آلوده تهران پر کنند و لاجرم در معرض اثرات نامطلوب آن قرار گیرند. آلودگی هوا یکی از عوامل مهم تشدید بیماریهای تنفسی، آسم و سرطان

رادیو جمهوری اسلامی در هفته گذشته اعلام کرد که هوای تهران بشدت آلوده است و به اهالی تهران توصیه کرد که ظرف ۳۶ ساعت آینده احتیاطهای لازم را بکنند و کسانی که ناراحتی تنفسی دارند از بیرون آمدن از خانه خودداری ورزند. این چندمین بار است که رادیو جمهوری اسلامی به علت شدت آلودگی هوا از مبتلایان به بیماریهای ریوی، کودکان و سالمندان می خواهد که به علت تشدید آلودگی هوا در ساعات معینی از روز از خانه خارج نشوند. این توصیه ها به وضع نشان می دهد که آلودگی هوای تهران از سقف قابل قبول فراتر رفته و به حد مخاطره آمیزی رسیده است. چندی قبل اعلام شد که تهران آلوده ترین شهر جهان است. کارشناسان می گویند اگر این آلودگی ادامه یابد تهران تا ۲۰ سال آینده غیر قابل سکونت شده و کلیه فضای سبز آن تا سال ۲۰۰۰ نابود خواهد شد.

این آلودگی ناشی از سوخت کارخانجات و کارگاه ها، گرم کننده های خانگی و تجاری و وسایل نقلیه موتوری است که اکثر آنها کار کرده و دارای سوخت ناقص است. ۶۵ درصد آلودگی هوای تهران ناشی از وسایل نقلیه موتوری و ۱۹ درصد

از رویدادهای ایران

روز زن در جمهوری

اسلامی

به مناسبت سالروز تولد فاطمه زهرا، دختر پیامبر اسلام، که از سوی جمهوری اسلامی روز زن نامگذاری شده است، هفته گذشته مراسم ویژه ای برگزار شد. سران رژیم در سخنرانی های خود پیرامون این روز، به تکرار اراجیف در مورد زن از دیدگاه اسلام و موقعیت زنان در جمهوری اسلامی پرداختند. علی خامنه ای در سخنرانی خود به این مناسبت به آزادی های فردی و حقوق اولیه زنان تحت عنوان "الگوهای غربی" به شدت حمله کرد و گفت: الگوهای غربی و تجمل گرایی و مصرف گرایی باید سرکوب شود و ارزش های اسلامی جانشین آنها گردد. خامنه ای تاکید کرد دایه آل و خوشبختی رانمی توان با تجمل از نوع غربی آن به دست آورد.

سخنان سران رژیم نشانه ادامه تفکر نیرومند ارتجاعی در مورد زن و حجاب در میان مسئولان جمهوری اسلامی است. رژیم اسلامی با نقی همه حقوق زنان کوشیده است آنها را تابع مدل ارتجاعی خود سازد، اما مبارزه زنان ایران طی ۱۲ سال گذشته نشانه مقاومت آنان در پذیرش الگوی جمهوری اسلامی و بدل شدن به انسان های درجه ۲ است.

اطلاعیه سازمان

ثبت احوال

سازمان ثبت احوال کشور اوراق هویت نمونه قدیم گروه های سنی متولد ۱۳۵۳ و هم چنین متولدین ذکور گروه های سنی ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۵ و همچنین گواهی مشخصاتی را که بدون شماره مسلسل است فاقد اعتبار اعلام کرد. سند هویت و تابعیت افراد فوق صرفا شناسنامه های جدید جمهوری اسلامی خواهد بود. اوراق هویت سایر گروه های سنی در حال حاضر دارای اعتبار است. بر اساس اطلاعیه سازمان ثبت احوال کشور، هر گونه تغییر و بی اعتباری شناسنامه های قدیم فقط از طریق سازمان ثبت احوال اعلام خواهد شد.

بحران "کویت" به نفع کیست؟

بقیه از صفحه ۷

می رسد ولی بر اساس آخرین ارزیابیها این کسری به میزان ۱۷۰ میلیارد دلار خواهد بود. یعنی ۱۵ میلیارد دلار بیش از سال ۸۷، هر چند تدابیر اعلام شده توسط بوش حاکی از آن است که بودجه ۱۹۸۹ به میزان ۹۵ میلیارد دلار خواهد بود ولی هیچکس آن اعتقاد ندارد. سیاست جرج بوش ادامه سیاست ریگان و مینی بر امتناع از چاره سازی کسری بودجه ایالات متحده است. علاوه بر آن پروژه بوش بر پایه فرض رشد اقتصادی ۳/۵ درصد در سال ۱۹۸۹ بنا شده است. در صورتیکه مطابق پیش بینی ارگانهای مختلف این رشد به میزان ۲/۵ درصد خواهد بود. در نتیجه با کسری بودجه بیشتری مواجه می باشد و تامین این کسری بخصوص توسط سرمایه های خارجی و خیم تر می شود. بطور روشن بوش میل دارد که کسری بودجه آمریکا را از جیب خلق های دیگر کشورها بپردازد. با توجه به آمار و اطلاعات موجود، بدی خالص خارجی ایالات متحده فقط در سال ۱۹۸۹ به میزان ۱۳۵ میلیارد دلار افزایش یافت و در پایان همین سال به ۶۶۴ میلیارد دلار و کسری بازرگانی آن از اکتبر ۸۹ تا سپتامبر ۹۰ به ۲۴۱/۷ میلیارد دلار رسید. نرخ رشد اقتصادی (بخش تولیدی) در سال ۱۹۸۹ کاهش یافت و کاهش آن در سال ۱۹۹۰ ادامه داشت. این کاهش باعث اخراج صدها هزار نفر کارگر شد و در پی آن قدرت خرید و مصرف هم کاهش یافتند. یک دایره تسلسل بحرانی این وضعیت به درجات مختلف در دیگر کشورهای بزرگ صنعتی مشاهده می شود. از طرف دیگر در پی تحولات همیق در کشورهای اروپایی شرقی و بی اهمیت شدن پیمان ورشو و برپیده شدن تدریجی

آن قاعدتا پیمان ناتو هم باید برپیده شود. ولی متأسفانه چنین نیست. کاهش بودجه نظامی و برگشت سربازان آمریکائی مستقر در اروپا به خانه هایشان باعث تشدید بیکاری در آمریکا میگردد.

پس در زمان در دهان گسیل تجهیزات و نفرات به کیسه خلفا و فروش اسلحه های هلاکت بار که از نظر کشورهای امپریالیستی دیگر مدرن نیستند به سوی خاورمیانه آماز شد.

دکترین کهنه آمریکا هم زمینه را آماده نمود. کارتر در زمان ریاست جمهوری اش اعلام داشت: "هر تلاش به منظور تامین یافتن کنترل خلیج به مثابه حمله به منافع ایالات متحده آمریکا تلقی میگردد و این تلاش به هر وسیله از جمله نظامی به عقب زده خواهد شد

شارل کروتايد (KRAOTAAMMER) در واشنگتن می نویسد:

"باکنار زده شدن قدرت شوروی، دنیا از یک سیستم دو قطبی به یک سیستم یک قطبی مبدل شد. ایالات متحده آمریکا و پیمان نظامی که او هدایت می کند، کنترل بیسابقه ای را در نظم بین المللی بدست آورد. واشنگتن پست ادامه می دهد که: "حوادث خلیج آزمایش جدید سیستم یک قطبی به رهبری غرب است." آمریکا و متحدانش "مقررات بین المللی آینده را برقرار می نمایند".

لازم بیادآوری است که سه کشور عربستان، کویت و امارات متحده عربی که بسیار به آمریکا و کمپانیهای نفتی وابسته هستند جمعا ۶۳ درصد از درآمد نفتی خلیج فارس را به خدا اختصاص می دهند و

چگونگی مصرف این درآمد هم بدین شکل است که ۴۰ درصد آن یعنی ۴۲۶ میلیارد دلار به هزینه های نظامی و ۲۰ درصد در بانک ها و سرمایه گذاری در خارج اختصاص یافته اند.

بنابر اطلاعات موجود داراییهای امیر کویت و خانواده ای به ۷۵۰ میلیارد دلار می رسد که توسط یک ارگان کویتی مستقر در لندن بنام KTA KOWAIT INVESTMENT AUTHOITY اداره می شود.

پس باید گوش این فرزند ناخلف را کشید. بحران خلیج فارس و مسافرت صاحبان صنایع اسلحه سازی غرب همراه وزرای دفاعشان به کشورهای خلیج موردستور روز قرار گرفت.

جالب است که شرکت فرانسوی تامسو صمن فروش اسلحه به کشورهای خلیج از طریق یک دفتر خود مستقر در جزیره گرنزه واقع در دریای منش- یک آگهی استخدام نفرات برای موشک اندازهای زمین به هوای فروخته شده به عربستان انتشار داده است و یکی از شرایط استخدام هم یهودی نبوده است.

فکر می کنید که یک بیکار با علم به کشته شدن حاضر به استخدام میشود؟ داستانی که هم اکنون در میان مردم ایران در باره بحران خلیج فارس وجود دارد بسیار گویاست: در یک خانواده برادر کوچک فقط به خوردن و خوابیدن و جفت چارگوش زدن مشغول بود. برادر بزرگ مجبور است به پدر خانواده کمک کند و از برادر کوچک کینه به دل دارد. پدر فرزند بزرگ خود را اجازه می دهد تا گوش برادر کوچک را بکشد. برادر بزرگ خوشحال از این امر برای گوش کشیدن و از دل پر بهامشت به دماغ برادر کوچک می زند که خون از دماغش جاری می شود. برادر کوچک به نزد پدر شکایت می برد. پدر هم وارد معرکه میشود و پسر کوچکش را نوازش می کند و پر خاشی هم به پسر بزرگ می نماید.

سفر نخست وزیر مجارستان به تهران

زمینه رادیو، تلویزیون، خبرگزاری، آمو وزش و پرورش و امور هنری گسترش خواهد یافت. نخست وزیر مجارستان هنگام ترک تهران سفر خود را موفقیت آمیز خواند. رادیو دولتی تهران نیز طی تفسیری خاطر نشان ساخت که همکاری های دو کشور می تواند تا سطحی بسیار بیشتر از سطح فعلی گسترش یابد.

جدایی مجارستان از سیستم سونیالیستی امکانات بیشتری برای گسترش روابط دو جانبه پدید آمده است. قبل از هزیمت نخست وزیر مجارستان، سفرای دو کشور در تهران یک موافقتنامه مبادلات فرهنگی امضا کردند. جریان این سفر یک پروتکل سیاسی نیز به امضا رسید. بر اساس موافقت نامه فرهنگی فوق، همکاری های دو کشور در

هفته گذشته نخست وزیر مجارستان از ایران بازدید کرد. وی در جریان سفر خود با کربوبی رئیس مجلس شورای اسلامی و هلی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه رژیم دیدار کرد. این دیدارها پیرامون گسترش روابط دو جانبه سیاسی-اقتصادی و فرهنگی و هم چنین مسائل منطقه ای صورت گرفت. وی در این دیدارها تاکید کرد که پس از

در این بازی چه کسانی بازنده اند؟ در درجه اول کشورهای جهان سوم و در حال توسعه که تحمل افزایش قیمت نفت را ندارند و کمپانیهای نفتی حاکم بر بازار جهانی نفت بیش از پیش کشورهای نفتی را چپاول می کنند بار به همکاریهای خارجی این کشورها زیاده تر میشود.

دوم اینکه اگر مسئله فلسطین هم اکنون همزمان با عقب نشینی عراق از کویت مطرح نگردد، حل آن به بعد مشکل تر خواهد شد. زیرا سیاست تفرقه انداز و حکومت کن یکبار دیگر تقسیم و تضعیف دنیای عرب جهت احقاق حقوق خلق فلسطین در مقابل اسرائیل را مطرح می کند.

گورباچف با مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی شوروی دست بگریبان است و نتوانست در مقابل رهبریت بلامنازع آمریکا و متحدانش مقاومت ورزد و در قبال وعده های اقتصادی غرب هملا قادر نشد سیاست خاص اتحاد شوروی را پیش ببرد و آمریکا توانست شوروی را در پی سیاستش بکشد و از این طریق بحیثیت زخم خورده شوروی را در اذهان جهانی بخصوص جهان سوم جریحه دار نماید. علاوه بر این، افکار عمومی مردم شوروی رفتار گورباچف را در کرنش در مقابل واشنگتن چندان نمی پسندند و خاطره ناگوار افغانستان را در ذهن دارد.

اما آیا وقوع جنگ محتمل است؟ من فکر می کنم که خیر. کسانی هم که این بازی را شروع کردند خوب می دانستند که اگر جنگ رخ دهد، هواqb و خیم و تلفات جانی فراوان در تمامی منطقه برای و ذخایر نفتی خواهد داشت و نتایج سیاسی آن غیر قابل محاسبه خواهد بود.

سنجش افکار عمومی با وجود تمامی دستگاه تبلیغاتی نشان می دهد که اکثریت مردم جهان علیه جنگ اند تلاش نیروهای مترقی و صلح طلب در صد جبهه صلح علیه "منطق جنگ" افزایش می دهد.

مصاحبه با اکتاویو پاز

از "روزنامه لیتراتورنایگازتا"

اکتاویو پاز (O-paz) امسال برنده جایزه نوبل ادبیات شد. او یکی از بزرگترین و قوی ترین شاعران اسپانیایی زبان و نویسنده پر شور مقالات سیاسی - اجتماعی سر دبیر مجله "بولتا" است. در شماره های گذشته نشریه مقالاتی در مورد پاز درج کردیم. در این شماره مصاحبه وی با نشریه "لیتراتورنایگازتا" چاپ شوروی را به چاپ می‌رسانیم:

گفتگو در خانه شاعر که در منطقه شلوغ و در مرکز شهر، در پایتخت مکزیک قرار داشت، صورت گرفت. خانه شاعر که مملو از کتاب بود بسیار تنگ و نامتناسب بنظر می‌رسید. بخش بزرگی از کتابخانه بی نظیری را کتابهای کلاسیک روسی بخود اختصاص داده بود. اکتاویو پاز عقیده دارد که پولی را نباید جهت زندگی مجلل و بی تحرک صرف کرد، بلکه باید آنرا جهت نمایشگاههای نقاشی و ادبی باوجود آوردن مراکز فرهنگی، برگزاری کنفرانسها یا سمپوزیوم های ادبی بکاربرد.

یکی از این نمایشگاهها زمانیکه ما با شاعر گفتگو داشتیم در سالن نمایشگاه "ولیمپوز" در مرکز مکزیک دبیر شده و با استقبال بی نظیری مواجه بود. سوال: شما در سلسله مقالات خود در روزنامه "اکسل سیور" در تحلیلی از رویدادهای اروپای شرقی، این رویدادها را نقطه عطف می‌نامید و در تاثیر آن روی نیروهای سیاسی و بقیه نقاط جهان و از پایان یافتن سیستمها سخن می‌گوئید. آیا منظورتان پایان یافتن سیستم سوسیالیسم است؟

جواب: نه. من منظورم این نیست: شکست سیستمهای سوسیالیسم بوروکراتیک بطوریکه مشاهده می‌کنیم، هر حله جدید و وظایف سنگینی در مقابل جامعه می‌گذارد. این وظایف حکم می‌کنند که به انتقاد از جامعه مصرفی برگردیم ولی نه باید گذشته را. این جوامع موکداً نیازمند وجود آوردن تفکرات سیاسی جدیدی هستند که سنتهای لیبرالی را با آن ارزشهایی که هنوز در سوسیالیسم زنده هستند آشتی دهند.

سوال: به دیگر سخن: سوسیالیسم مرد زنده باد سوسیالیسم!

ج - بله دقیقاً همینطور است. زمانی که من بچه بودم هیچکس به دموکراسی باور نداشت. در آن دوران جوانان یا از کمونیسم یا فاشیسم یا ناسیونالیسم الهام می‌گرفتند. امروز ما در دوره احیا تفکرات دموکراتیک زندگی می‌کنیم. یکسری مفاهیم قدیمی در این رابطه معانی جدیدی می‌دهند. بنظر می‌رسد از ۳۰ کلمه سحر آمیزی که از انقلاب فرانسه به ما رسیده آزادی - برابری و برادری - اولی و دومی متضاد هستند. آزادی می‌تواند بدون برابری وجود آید - همانطور که برابری بدون آزادی. پل میان آنها حتماً بایستی سومی باشد - برادری. یا به دیگر سخن همبستگی.

وجود آوردن تفکر سیاسی جدید - این خود وظیفه بزرگی است در فلسفه قدیم که از گذشته به ما به ارث رسیده. نه تنها سنتهای لیبرالی بلکه دموکراسی و حقوق انسان هم وجود دارد. در سوسیالیسم هم همینطور. بویژه آن که امید به عدالت را تجسم می‌کند. بدون شک سوسیالیسم خود کلام و ضد دموکراتیک یکی از فجایع قرن ۲۰ است. ولی مشاهده می‌کنیم که بدون تاثیر فعالیت سوسیالیستها این رفرمهای خود بخودی و معین که در سرمایه داری بوجود آمد، اتفاق نمی افتاد. مهمترین آنها بهتر شدن وضعیت طبقه کارگر، بدست آوردن حقوق اتحادیه‌ها، بهبود تأمینات اجتماعی و غیره است.

سوال: حل چه مسائلی را شما مربوط به تفکر سیاسی جدید میدانید؟

جواب: مهمترین نتیجه ای که رسیده ایم این است که: جامعه پیشرفته بدون دموکراسی، پیشرفته نیست، انسان در این جهان احتیاج به شرایطی مناسب برای زندگی دارد.

دومین مساله مهم، که باید حل کرد - مساله بازار است. جامعه ای که در آن بازار عملکرد ندارد همیشه با خطر رکود مواجه است. اما بازار، و در اختیار داشتن آن بدون استثنا دموکراسی را نابود میکند. زیرا که نابرابری همیق بوجود می‌آید و این اجتناب ناپذیر است. به این خاطر مهمترین مساله که امروز باید تفکر سیاسی جدید به آن پاسخ گوید، چگونگی پیوند دموکراسی و بازار است. حالت ایده‌آل آن است که دموکراسی و بازار بخشی از سیستم هدایت کننده در جامعه باشند جدی ترین خطری که امروزه دموکراسی را تهدید می‌کند ناسیونالیسم است. ناسیونالیسم جدید، پدیده همیقی است که اکنون اسپانیا و فرانسه و چکسلواکی هم با آن دست بگریباندند. در شوروی هم که مساله بطور خاص پیچیده است. من نمیدانم که شما چگونه آنرا حل

می‌کنید. ولی آروزی می‌کنم و امیدوارم که این مساله بتواند از طریق ایجاد کنفدراسیون و استقلال دولتها حل شود.

می‌خواهم آرزو کنم که وحدت روسیه حفظ شود. زیرا شکست آن به معنای شکست وحدت اروپاست. من جهان آینده را بدون شکوفایی و دموکراسی در شوروی تصور نمی‌کنم. سلامت اروپا به معنی سلامت شوروی است.

سوال: مدل ایده آل آینده اروپا را چگونه می‌بینید؟

جواب: در اروپا دو آلتوناتیو وجود دارد: بوجود آوردن جامعه ملیتهای اروپایی بر اساس دموکراسی با محاسبه خصوصیتهای هر رژیم، یا احیاناً ناسیونالیسم و مانند قبل سیاست بوجود آوردن بلوکها، آنچه که دقیقاً مشخص است گرایشهای جدید تمایل به ایجاد جامعه سیاسی دارد. اولین نمونه آن جامعه اروپایی است. اگر آزمایش شوروی با موفقیت به پایان برسد شوروی بخشی از خانه مشترک اروپایی خواهد شد که آنرا اولین بار گارباچف طرح سوال - اساسی ترین مبنای ساختمان جامعه طراز نوین را چگونه می‌بینید.

جواب: بزرگترین و جدی ترین خطر برای دموکراسی پیشرفته همانا اقتصاد و سیاست بوروکراتیک است. گرایشهای بوروکراتیک در جهان همومی است. و در همه جا خود را نشان می‌دهد. با آن نمی‌توان مبارزه کرد مگر در یک جامعه مدرن و فوق العاده پیچیده که احتیاج به استفاده وسیع از تکنیک و پرسنل متخصص جهت خدمات آن دارد. در غیر اینصورت بوجود آمدن دستگاه بوروکراتیک برای هدایت کارخانه ها و صنایع کشور گریز ناپذیر است...

در آمریکا اساساً اقتصاد بوروکراتیک رشد کرد. در ابعاد فوق العاده وسیعتر آن بوروکراسی در مکزیک است که در اقتصاد و سیاست آن شدیداً سوخ کرده است.

سوال: چگونه میتوان با یک چنین شری همه جانبه مبارزه کرد؟

جواب: در قرن ما بوروکراسی از شکل گیری انحصار (مونوپولیسیم) بوجود می‌آید. مونوپولیسیم اقتصادی سیاسی - ایدئولوژیک، ناسیونالیسم فراملیتی، احزاب بزرگ سنتی و غیره. از یک طرف تلاش برای از بین بردن آن و مبارزه با هر گونه انحصار، از طرف دیگر - سلاح انتقاد.

سوال: بنظر شما روشنفکران چه مبارزه هلالی را در این رابطه باید پیش ببرند و نقش آنها چیست؟

جواب: افلاطون فکر می‌کرد که حاکمان باید فیلسوف باشند. و این هلی القاعده اتفاق نمی افتد. من هیچگاه فکر نمی‌کردم که نویسندگان میتوانند جهان را تغییر دهند، ولی منکر تاثیر آثار ادبی بر تغییر جهان نیستم. اساسی ترین گرایشهای جهان معاصر بطور گریز ناپذیر در انعکاس آثار ادبی قرار دارد. از آن گذشته - ادبیات از آن پیشی می‌گیرند و تا در چه معینی آنرا تغییر میدهد. شاعر و نویسنده نباید در خدمت دولت، حزب و کلیسا باشند.

همه جا در جهان در زمان ما فاصله زیادی میان واقعیت و عمل بوجود آمده است. در آمریکای لاتین این امر به ابعاد چه بیشتر است.

فقط ادبیات و در درجه اول شعر است که موجب احیا تفکر، کلمه، حفظ زبان و اهمیت آن است. مخصوصاً در این مورد تاکید روی شاعری دارم که خیلی دوست داشت روی این موارد کار کند ولی به زور دلایل سیاسی، زمان طولانی از این مساله جدا افتاده بود. فقط در پایان زندگیش مادو باره به اتفاق نظر رسیدیم او "پابلو نرودا" است. من اشعار او را مطالعه و دوباره مطالعه می‌کنم. اشعار او برای من طبیعت، درختها، زمین، و گلها و پدیدهایی را که من با آنها برخورد دارم و استشمام می‌کنم را هویدا می‌سازند من از ادبیات اینها انتظار دارم. باز سازی و احساس محیط زیست.

رسالت ادبیات و قبل از همه شعر در این است که واقعیتهایی را که ما را محاصره کرده اند همانگونه که هستند به ما بنمایانند. به جهان معاصر خاطر نشان کنیم که هستی یک حقیقت مسلم است. از آغاز بشریت عواطف، احساسات، تمایلات تصورات در وجود باطنی انسان نهفته بود. من اطمینان دارم که اگر سیاستها کمی شاعران را در نظر می‌گرفتند، جهان چگونه دیگری بود.

ایرینا خوزیمی
خبرنگار مخصوص "روزنامه لیتراتورنایگازتا"
مکزیک - یونئوس آیرس
۲۴ اکتبر ۱۹۹۰
ترجمه: م - شفیق

خرید و فروش اعضای بدن،

پدیده‌ای در حال گسترش؟

یکی از راههای ممکن برای رویارویی با این کجبود می‌تواند اهدای عضو از سوی یکی از اعضای خانواده بیمار باشد. گر چه قانوناً منعی برای این کار وجود ندارد اما بسیاری از پزشکان از قبول عضو از خانواده بیمار سر باز می‌زنند. و در بسیاری از کشورها تنها پزشک جراح باید تشخیص دهد که اهدای عضو از سوی خویشاوندان بیمار داوطلبانه و یا زیر فشار روانی انجام می‌گیرد. بسیاری مواقع فرد عضو دهنده به سبب ترس از جراحی و نقص عضو میلی به کار ندارد ولی برای اینکه دیگران او را به اهدا طغی و سنگ ولی متهم نکنند به این کار تن میدهد. بسیاری از پزشکان جراح از ترس اینکه در شناخت انگیزه عضو دهنده به خطا بروند حاضر به پذیرش عضو از خویشاوندان بیمار نیستند.

با اینکه در یونان ۸۰ تا ۸۵ درصد نیاز به کلیه با اهدای داوطلبانه افراد زنده برطرف می‌شود. این میزان در آمریکا ۵۰ درصد است. پیوند کلیه نه تنها ارزاتر از روش دیالیز است بلکه کیفیت زندگی بیمار را نیز بهبود می‌بخشد. زیرا فرد بیمار دیگر لازم نیست که برای دیالیز هفته‌ای دو بار به مراکز مخصوص برود. انجام دیالیز روی هر بیمار سالانه ۷۰ تا ۷۵ هزار دلار هزینه در بردارد و باید تا آخر عمر ادامه یابد.

با اینکه نباید فراموش کرد که درآمد پزشکان متخصص دیالیز به وجود بیماران دیالیزی وابسته است. بی سبب نیست که این پزشکان تنها بخشی از بیماران مستحق دریافت کلیه را به مراکز پیوند عضو معرفی می‌کنند و با بقیه آنها روش دیالیز را انجام می‌دهند تا درآمد خود را از دست ندهند.

یکی از اعضای کنگره مونیک چنین بیمارانی را "زندانی دیالیز" لقب داد. جالب اینکه در این مورد ثروت و مال و مثال بعضاً به جای آنکه راه گشا باشد مشکلتر است زیرا بخشی از پزشکان کسانی را که دارائی پشتوانه مالی محکمتری داشته و بهتر قادر به تأمین هزینه دیالیز می‌باشند کمتر برای دریافت عضو معرفی می‌کنند.

در هند از سال ۱۹۷۱ عمل پیوند عضو رواج یافته است. اما برای تأمین اعضای لازم از تازه مردگان استفاده نمی‌شود (از اعضای بدن مرده اگر یکساعت بیشتر از مرگش نگذشته باشد) می‌توان برای پیوند استفاده نمود. زیرا شمار داوطلبانه فروش اعضای بدن بویژه در اقشار فرو دست جامعه بسیار چشمگیر است. همین هر ضه فرایند سبب شده که قیمت کلیه تا ۲۷۰۰۰ مارک کاهش یابد و این البته ۵۰ برابر درآمد ماهانه در هند است. این امر موجب شده که برخی از اهالی خاور میانه برای دریافت عضو به هند بروند. اما پیامدهای دریافت عضو در این کشور معمولاً ناگوار و خطرناک است. زیرا در مراقتهای بعد از جراحی از وسایل کاملاً بهداشتی استفاده نمی‌شود و کیسه‌های خونی هم که به بیماران تحت جراحی تزریق میشود معمولاً ناسالم و آلوده اند. آمار نشان می‌دهد که ۸۰ درصد کیسه‌های خون در بمبئی به ویروس ایدز آلوده اند. به گفته دکتر جرج آوونا ۴۰۰۰ نفری که از کویت برای دریافت عضو به هند رفته اند ۱۶۰ نفر به ایدز مبتلا شده‌اند. همین امر سبب شد که دولت کویت انجام عمل پیوند عضو در هند را برای اهالی کشور ممنوع اعلام کند. به گفته آوونا کویت بالاترین میزان حوادث رانندگی در جهان قادر است با استفاده از اعضای کشته شدگان این حوادث نیاز بیماران خود را به خوبی پاسخ گوید.

گزارش رئیس انجمن پزشکان کلیه در هند نیز تکاندهنده و درنگ انگیز بود. به گفته وی اگر روند فروش اعضا بدن در هند به همین گونه ادامه یابد در سال ۲۰۰۰ در میان اقشار فرو دست جامعه هند کمتر کسی را می‌توان یافت که دارای دو کلیه باشد. شرکت کنندگان کنگره گر چه خرید و فروش اعضای بدن را به اتفاق آرا مردود شمرده‌اند اما نتوانستند برای جلوگیری از آن پیشنهاد مشخص ارائه دهند.

راست این است که نیاز روز افزون به اعضای پیوندی از یکسو و گسترش فقر و تنگدستی از سوی دیگر خرید و فروش این اعضا را رونق فزونتتر خواهد بخشید در کنار مبارزه با فقر و ناداری رواج بیشتر اهدای عضو توسط افراد خانواده بیمار شاید بتواند برگشتش لجام گسیخته تجارت اعضا بدن مهار زند. این همان پیشهادی بود که پزشکان گرد آمده در همایش تهران نیز بر آن تاکید نهادند.

ح - بهداد

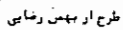
پزشکان و کارشناسان بیماریهای کلیوی در ایران روز پنجشنبه ۱۳ دی (۳ ژانویه) در تهران گرد آمدند تا به بررسی جنبه‌های مختلف این بیماریها پیوند کلیه و بهبود روش دیالیز به بحث و تبادل نظر بپردازند. بر پایه آمار اعلام شده در این گردهمایی شمار بیماران ایرانی نیازمند دیالیز به ۳۰۰۰ نفر می‌رسد که برای این عده ۷۲ مرکز دیالیز موجود است. رقم ۳۰۰۰ نفر واقعی به نظر نمی‌رسد زیرا که بسیاری از بیماران کلیوی به سبب عدم امکانات و دسترسی نداشتن به پزشک از پا در می‌آیند. باید در نظر داشت که ۷۲ مرکز دیالیز همدا در تهران و شهرهای بزرگ مستقر هستند و برای فردروستائی که در فاصله دوری از این شهر ها زندگی می‌کند کمتر امکان آن وجود دارد که هفته‌ای دوبار خود را به این مراکز رسانده و خون خود را از آنچه که کلیه بیمارش قادر به دفع آنها نیست تصفیه نماید. فقر و تعددستی نیز می‌تواند عامل محروم ماندن بیمار از امکان دیالیز باشد. شمار مراکز پیوند کلیه نیز که می‌تواند بیمار را از شر دیالیز رها کرده و زندگی هادی را به او بازگرداند نیز اندک و انگشت شمار بوده و تنها قادر به پاسخگویی درصد کمی از بیماران هستند. کمبود عضو پیوندی نیز خرید بر هلت است. اخیراً در نشریات رژیم خبرهایی در مورد فروش اعضای بدن و از جمله کلیه درج شدند که از یکسو نشانگر گسترش بیش از پیش فقر و از سوی دیگر بیابگردی کمبود چشمگیر این اعضا می‌باشد. در مورد پیوند قلب نیز وضعیت بهتر از این نیست بیماران نیازمند به قلب در ایران باید حداقل بین ۵ تا ۱۰ سال در نوبت بمانند. کمبود مراکز مجوز و نیز نبود قلب به تعداد لازم هلت این انتظار بعضاً کشنده است.

اما راست این است که این دشواریها محدود به ایران نیستند و در همه‌جای جهان و بویژه در کشورهای جهان سوم معضل همدهای به شمار می‌روند.

در حالیکه در اروپا مرگ و میر ناشی از بیماریهای کلیوی از رهگذر کار برد روش دیالیز به میزان چشمگیری کاهش یافته در کشورهای جهان سوم هنوز هم ۹۸ درصد بیماران کلیوی سرنوشتی جز مرگ در انتظارشان نیست. در این کشورها تعداد اندک مراکز دیالیز پاسخگوی شمار گسترده بیماران نیست و پیوند کلیه تقریباً تنها راه رسیدن از مرگ است. همین امر در سالهای اخیر در بسیاری از کشورهای یاد شده اعضای بدن را به کالای پرارزشی بدل کرده و بازار فروش آنها رونق چشمگیری یافته است. در این راستا جنبه‌های سودجویانه در امر تقسیم اعضای موجود در میان بیماران و نیز طبقاتی شدن هر چه بیشتر امکانات پزشکی پیوسته نمود و بروز پررنگ تری می‌یابد.

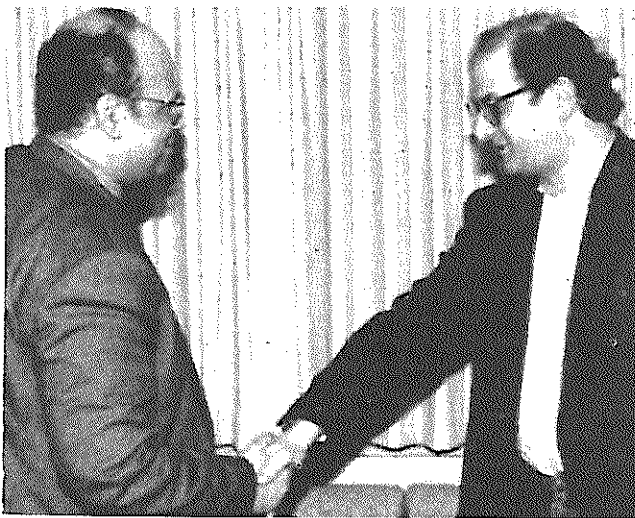
چاره جوئی برای این وضعیت انگیزه برگزاری نخستین کنگره جهانی بررسی جنبه‌های اخلاقی حقوقی و مالی پیوند عضو بود. در این کنگره که اواخر دسامبر سال پیش از سوی ESOT (انجمن اروپائی پیونده‌ها) و EDETA (انجمن اروپائی پزشکان و متخصصین دیالیز) در مونیک برگزار شد کارشناسان و پزشکانی از کشورهای مختلف جهان شرکت داشتند.

پیوند عضو در پزشکی تنها عرصه‌ای است که در آن به روشنی و راحتی در باره مرگ و زندگی یک نفر تصمیم گرفته میشود. پزشک متخصص در این عرصه به سبب محدودیتها نمی‌تواند هلالی و نیاز همه بیماران را پاسخ گوید. در واقع او باید تصمیم بگیرد که چگونه شمار اندک اعضای موجود را در میان بیماران نیازمند تقسیم کند. آمادگیهای پزشکی همچون انعطاف بافتهای فرد بیمار در قبال عضو جدید که واکنش دفاعی و منفی بدن در برابر آن عضو را جلو می‌گیرد و نیز آلودگی جسمی بیمار برای جراحی شرایطی هستند که بسیاری از بیماران آن را دارا می‌باشند و از اینرو در تصمیم گیری در مورد اینکه کدام بیمار بیشتر محق است نمی‌تواند عامل همدهای به حساب آید. در اینجا سبب که پای موقعیت اجتماعی بیمار هم به میان کشیده میشود و مثلاً یک مادر بیمار با یک فرزند کوچک نسبت به یک متهم جنائی یا یک فرد الکلی یا یک انسان مبتلا به ایدز و یا یک انسان مجرد اولویت می‌یابد. البته در بسیاری از موارد تنها عامل تعیین کننده سنگینی کیف پول افراد است یعنی هر که بیشتر پول بپردازد زودتر در نوبت قرار می‌گیرد. اعضای پیوندی معمولاً از کشته شدگان حوادث گرفته می‌شود اما شمار این کشته شدگان به میزانی نیست که پاسخگوی نیازها باشد.



گرفته است، به خواننده می دهد. ظاهرًا "فنادق" ی این کشور وجود دارد، این خبر از سوی دلسوزی دانشگاه علوم پزشکی افغانستان در همین روزها

سلمان رشدی چرا مسلمان شد



سلمان رشدی در دیدار با یکی از رهبران اقلیت مسلمان انگلیس

شاخه زیتون پیش برد: آیات شیطانی، دیگر ترجمه نخواهد شد و مهمتر از آن، در بازار انگلیس این کتاب در قطع جیبی انتشار نخواهد یافت.

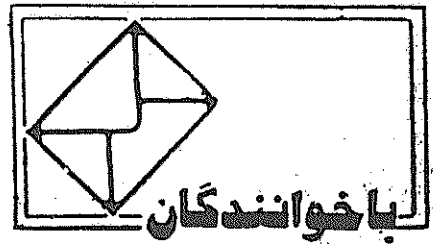
اینک رشدی شماری از دوستان خود را از دست داده است. برخی از فعالان "کمیته رشدی" که برای آزادی بیان و علیه باج خواهی افراطیون مبارزه می کنند، از حمایت از رشدی سرخورده شده اند. تیم و اترستون صاحب کتابفروشی های زنجیره ای به همین نام، همگین است اما برای رشدی تفاهم نشان می دهد. او می گوید فشاری که رشدی در معرض آن قرار گرفت دیگر برای او غیر قابل تحمل شده بود. فی و لدن نویسنده انگلیسی می گوید که آرزو داشت رشدی مانند یک "تدیس" در مبارزه برای پیروزی اندیشه او مانع در یادها باقی می ماند اما: "او تنها یک انسان است و یک انسان آزاد است که هر گونه می خواهد بیاندیشد." خانم ولدن معتقد است که نمی توان گفت رشدی به آتھائی که ماهها در حمایت از او فعال بوده اند خیانت کرده است. آنرولدوسکر از چهره های برجسته تاثیر انگلیسی رشدی را

بقیه در صفحه ۴

ناگهان با سلمان رشدی مواجه شدند که نشسته بود و نسخه های کتاب جدیدش بنام "هارون یا دریای داستانها" را امضا می کرد. رشدی همچنین یک بار در مقرر بی بی سی مصاحبه ای انجام داد و ساختمان بی بی سی برای چند ساعت توسط ۶۱ پلیس مسلح مورد محافظت قرار گرفت. اینک رشدی با تمام قوای که برایش باقی مانده می کوشد با جهان اسلام صلح کند. او می گوید که با خدا صلح کرده است. رشدی در یک مقاله برای روزنامه تایمز نوشته است: "تصمیم های فکری یک انسان امری تنها مربوط به وجدان او است و یک نفر تنها پس از اندیشیدن های بسیار در اهتاق قلبش بداند می رسد." سلمان رشدی اگر چه در یک خانواده مسلمان متولد شده اما تربیت او کاملاً انگلیسی بوده است. او در یکی از گران ترین و قدیمی ترین مدارس شبانه روزی انگلیس و نیز در دانشگاه کمبریج درس خوانده است. حالا او به اسلام برمی گردد.

یا حومه آن، سلمان رشدی تحت محافظت شبانه روزی ماموران "شعبه ویژه" اسکاتلند یارد زندگی می کند و او ناچار شده است بطور کامل خود را تحت حمایت دولت انگلیس قرار دهد. رشدی گاه به خود جرات می دهد که چند ساعت از زندان خود بیرون بیاید. این کار گاه صورت عجیبی بخود می گیرد. یک روزنامه نگار که اخیراً با رشدی ملاقات کرد می گوید سر ساعت مقرر، یک اتومبیل با سروصدای زیاد در برابر رستوران محل قرار توقف کرده ماموران مسلح به سرعت پیاده شدند و دوطرف مسیر رشدی را مسدود کردند و رشدی که به این چیزها عادت ندارد، با شرمزدگی وارد رستوران شد. این شاهد هینی می افزاید: "تمام ماجرا آنقدر مرموز انجام گرفت که انگار جرج بوش وارد بغداد شده است." از چندی پیش، رشدی هر از چندی بطور غیرمنتظره در ملا عام ظاهر می شود. بار اول، در آخرین روزهای سال ۹۵، مشتریان یک کتابفروشی در لندن

سلمان رشدی نویسنده "آیات شیطانی"، ۴۳ ساله است. او از این ۴۳ سال، دو سال را در نوعی اسارت به سر برده است. حمینی که زمانی رشدی را لعن کرد، مدت ها است که مرده است. اما نفرین او به جای خود باقی است. به جز دوستان نزدیک و چند مامور پلیس، هیچ کس نمی داند که مخفی گاه رشدی کجاست. هر چه زندان و بازداشت خانگی رشدی تجمّل آمیز هم باشد، به نظر می رسد این نوع اقامت برای این نویسنده دهشتناک بوده است. زندگی زناشویی او هملاً متلاشی شده است. فتوای مرگش کماکان وجود دارد. "آیات شیطانی" برای خود رشدی به یک نفرین شیطانی تبدیل شد. خامه های اخیراً باز حرف حمینی را تکرار کرد که اگر سلمان رشدی "زاهد زمان" هم بشود، فتوا به جای خود باقی خواهد ماند. در این عرصه، جمهوری اسلامی هیچگونه نرمشی نشان نداده است. در نقطه نامعلومی در لندن



بحران "کویت" به نفع کیست؟

نادر حسینی

چند ماه از تجاوز عراق به کویت می گذرد. در این مدت جنگ روانی لشکرکشی و تدارک نظامی برای یک "جنگ گرم" لحظه ای آرام نگرفته است. جهان در انتخاب و تشویش به سر می برد و هر کسی لحظه شلیک آتشبار و حمل جسد هزاران سرباز و غیر نظامی ای در ذهن خود تجسم می نماید. آیا بشریت محکوم است در تاریخ معاصر - عصر پیشرفت و انقلاب علمی و تکنولوژی - شاهد کشت و کشتار باشد. بویژه چرا منطقه خاورمیانه حداقل در نیم قرن اخیر از درگیری و خونریزی و تشنج مضمون نبوده است؟ آیا خلقتی منطقه دارای تمدن فرهنگ جنگجویانه هستند؟ چه کسی و یا چه کسانی مسئولند سئوالات بشمار است اما من به سؤال می پردازم که چرا صدام کویت را به تصرف خود درآورد و ایالات متحده آمریکا و متحدانش یکبار به پادشاه آمد که حقوق بین الملل زیر پا گذاشته شد.

در مورد این سوال اول باید اندکی به عقب برگشت: وقتی در سال ۱۹۷۸ ایران شاهد تظاهرات یکپارچه علیه رژیم سلطنتی پهلوی بود و قرب سقوط شاه را منقریب می دید، بر آن شد تا دیکتاتور دیگری را برای پر کردن خلا ایجاد شده به مسند ژاندارمی خلیج فارس به گمارد. اواخر سال ۱۹۷۸ حسن البکر "استعفا" کرد و صدام حسین بر مسند قدرت نشست. رژیم پهلوی در سال ۱۹۷۹ سقوط کرد و خمینی قدرت را از آن خود بخود. هزمان با تعمیق انقلاب و سمت گیری ضد امپریالیستی خلقهای ایران که خواست نیروهای مترقی بود، خمینی بر آن شد تا چهره ضد آمریکائی بخود بگیرد. (من در اینجا فقط از آمریکا اسم بردم زیرا شک دارم که دکتترین امپریالیستی انگلستان برای انتقام گیری از "توطئه های" برادر جوان خود - آمریکا - در فاصله سالهای ۱۳۳۵ که منجر به کاهش بیش از حد منافعتش در ایران شد، نقش نداشته است. بدین منظور از تمامی محققین ایران خواهش می کنم بیطرفانه باین مساله بپردازند تا جنایات وارده بر ملت ستمدیده ایران روشن گردد. و پس از آن قضیه افغان گرایانه گروه گانهای آمریکائی و تجاوز نافر جام آمریکا در طبرستان داد آمریکا راه دیگری را در پیش

شده فلسطین، جابزند. حقیقت این است که دنیای عرب در پی شکست های متوالی و خیانت رهبران آن احساس ذلت و خواری می نماید و امید می هم به شوری امنیت سازمان ملل متحد ندارد. زیرا از اولین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نوامبر ۱۹۴۷ مبنی بر تقسیم سرزمین فلسطین بین دو دولت مستقل اسرائیل و فلسطین ۴۳ سال می گذرد. شورای امنیت برای بازگرداندن ۶ میلیون فلسطینی آواره در اقصی نقاط جهان هیچ کاری را از پیش نبرد و اسرائیل به یمن و تو متحدانش همچنان به کشت و کشتار ادامه می دهد.

حقیقت این است که ۶ کشور عرب منطقه خلیج فارس (عربستان، بحرین، امارات متحده عربی، کویت، امان و قطر) با کمتر از ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارای ۴۶۲ میلیارد دلار ذخیره پولی در کشورهای غربی هستند و اینجادر حالی است که مابقی کشورهای عربی با ۱۹۰ میلیون جمعیت و ۲۰۸ میلیارد دلار بدهی خارجی در بی هذالتی بسر می برد.

آری احساسات جریحه دار و سرکوب شده توده های عدالت جوی دنیای عرب دنبال یک رهبر می گردد. صدام این پتانسیل را می شناسد و با آن بازی می کند. در این بازی صدام تنها نیست. طرف دیگر

گرفت. چراغ سبز به صدام داده شد. قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در مورد اروندرود، بی اعتبار اعلام شد و صدها هزار نفر نیروهای سازمانده در سه کشور جهان خود را از دست دادند و حدود یک میلیون نفر زخمی دارای نقص عضو شدند. میلیارد ها دلار خسارات مادی به کشور وارد شد. "وجدان" اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد نقض حقوق بین الملل نشد. این شورا هنوز "متوجه" نیست که پیش از این رژیم دیکتاتوری ترکیه عضو ناتو حدود ۱۵ سال است که بخشی از خاک قبرس را اشغال کرده است و بمباران شیمیائی خلق کرد و... لیست نقض حقوق بین الملل زیاد است. آری آنچه که در مورد جنگ ایران و عراق برای هالیجنایان اهمیت داشت در درجه اول فروش میلیارد ها دلار اسلحه و حذف نیروهای ترقی خواه و صلح طلب توسط دیکتاتوری ترو و سطائی خمینی و دیکتاتوری متجدد و باصطلاح لائیک صدام حسین بود. این دو کشور اندوخته های ارزی مردم خود را برای گردش کارخانه های فروشنده اسلحه به مدت هشت سال بپایان رساندند و سپس مجبور شدند و سایل آدم کشی را از طریق استقراض تهیه نماید. بدهی عراق فقط به فرانسه بمیزان ۳۰ میلیارد فرانک می رسد.

عربستان و شیخ نشینان فاسد خلیج فارس هم که تا چند ماه پیش از آتش پس از صدام حمایت می کردند، از قبول پرداخت "بیش از حد" معقول خودداری ورزیدند. فروش اسلحه نسبه و باز پرداخت نامطمئن برای سوداگران مرگ مقرون به صرفه نبود و هر سه کشور از نفس افتاده اند و تا سالهای آینده هم قادر به کمر راست کردن نیستند. مضحک تر از هم این است که هر دو طرف متخاصم از سرگیجگی شکست هر برده پیروزی را سر دادند.

در مقابل خشم های نهفته و وحشت رهبران حیانت پیشه می بیستی چاره ای برای تعویق سرنگونی فراهم می شد. هر رفتنی برای نجات خود به هر آنچه که بر روی آب ببیند دست می اندازد. حتی یک برگ، صدام یکبار به یادش آمد که کویت بخشی از خاک عراق بوده و در سال ۱۹۳۸ به تصمیم استعمارگر انگلیس از آن جدا شده است. در اینجا بحثی نیست که انگلستان استعمارگر آنچنان بلائی به سر خلقهای خاورمیانه آورده است که معلوم نیست "سرانجام" صلح واقعی در قرن بیستم تصیب جهان می شود یا باید به امید قرن ۲۱ نشست. بخاطر داریم که در تمام مدت جنگ عراق با ایران، صدام سعی کرد برای جلب پشتیبانی نیروهای مادی و نفرت به اعراب و انهود کند که جنگ "جنگ بین عرب و فارس است" و از این طریق توانست نظر تقریباً همه کشورهای عرب به جز سه تا چهار کشور را بِنفع خود جلب نماید (البته اختلاف با سوریه را باید از زاویه رقابت و هژمونی قدرت آنها در نظر گرفت). امروز هم صدام برای جلب پشتیبانی بخش عظیمی از توده های فقیر دنیای عرب، مدعی "صدامپریالیستی" است و فاسد بودن رهبران کویت، امارات متحده عرب و عربستان را مطرح کرد و خواهان رفع بی هذالتی است و می خواهد خود را بعنوان حامل هیدالناصر دوم و مدافع حقوق مستضعفان عرب و بطریق اولی مدافع خلق آورده

سلطنت طلبان امروزی چه کسانی هستند

اتالی

ایالتی و ولایتی، و مقایسه آن با فرهنگ و شیوه برخورد غیر انسانی رژیم پهلوی به ملت های غیر حاکم ایران می توان به همق استبداد، ارتجاع و شوونیسم این رژیم پی برد. گروه دوم طرفداران رژیم سلطنت از نوع پهلوی، این گروه که در فرهنگ نیروهای اپوزیسیون به پهلوی طلبان، شاه الهی ها و قشر معروف شده اند، خواستار احاده رژیم شاهنشاهی آریامهری می باشند. همانگونه که در بالا آمد، رژیم پهلوی با هدف زیر پا گذاشته شدن تمامی دستاوردهای جنبش مشروطه ایران و لوٹ کردن خون شهدای آن روی کار آورده شده بود. این رژیم در تمام دوران حکومت خود مظهر استبداد، شوونیسم و خفان پلیسی بود. این گروه هم اکنون نیز مشغول آماده سازی خود و رضا پهلوی دوم برای احاده نظام فوق می باشند. هلیرفم برخی طرحهای ظاهر فریب و اظطراری، پراتیک روزانه و سازمان یافته این گروه چیزی جز تمرین استبداد و شوونیسم عظیم طلبانه فارس نمی باشد.

دمکراتیک بوده و با درک بیشتر ضرورت های امروزی جامعه ایرانی و شرایط جهانی می توانند بعنوان یکی از نیروهای اپوزیسیون به استقرار دمکراسی در ایران یاری رسانند. زیرا انقلاب مشروطیت و قانون اساسی برخاسته از آن از دستاوردهای ارزشمند جامعه ایران و محصول مبارزات و ایثارگریهای مردم آذربایجان تحت رهبری سرداران ملی چون باقرخان و ستارخان می باشد که در فرهنگ مردم ایران جا افتاده و بمثابة برگ زرینی از تاریخ این کشور به احترام و نیکی از آن یاد می شود. در قانون مشروطه ایران حتی نوعی خودمختاری برای ملتهای تحت ستم ایران نیز تحت عناوین "انجمن های ایالتی و ولایتی" به رسمیت شناخته شده که هر چند جوابگوی نیاز امروزی خلقها نمی باشد اما نسبت به زمان خود مترقی بوده است. امروز با توجه به اصل ۲۹ متمم قانون اساسی زمان مشروطیت مصوب ۱۲۸۵ شمسی و اصل های ۹۰-۹۱-۹۲-۹۳ این قانون تحت عنوان "انجمن های

امروزه از نظر طرز تفکر، برداشتها و نوع و سطح توقعاتی که نیروها و جمعیت های موسوم به سلطنت طلب از رژیم سلطنتی دارند، می توان آنان را به دو گروه متمایز تقسیم کرد، گروه نخست سلطنت طلبان سنتی یا مشروطه خواهان می باشند. این گروه دستاوردهای انقلاب مشروطه ایران را ارج می گذارند و خواستار احیاء و اجرای قانون اساسی مشروطه سلطنتی می باشند که در آن مقام شاه از حد یک دیکتاتور نیمه خدا بزرگ کشیده شده و اختیارات او توسط قانون محدود گردیده است. این گروه طرفدار حاکمیت قانون در جامعه و رعایت حقوق فردی و اجتماعی در چار چوب قانون اساسی می باشند. هر چند که جامعه ایرانی جامعه سوگد یا سوئیس نیست که بتواند مقام سلطنت را تا حد یک مقام تشریفاتی پائین بیاورد بلکه برعکس هر نوع حکومت فردی در ایران هم از سلطنت و ولایت به استبداد خشن تبدیل می گردد. اما با این وجود این گروه از سلطنت طلبان حامل گرایش های

استعفای دولت لیتوانی

نخست وزیر مستعفی لیتوانی در توضیح کناره گیری خود طی نطقش در پارلمان گفت تظاهرات دولت و پارلمان در مورد سیاست اقتصادی این جمهوری بیش از حد از یکدیگر فاصله دارند. پارلمان استعفای دولت را با ۷۲ رأی موافق، هشت رأی مخالف و ۲۲ رأی ممتنع پذیرفت.

خانم پرونسکینه پیش از استعفا، پارلمان را در جریان مذاکراتش با میخائیل گارباچف در مسکو قرار داد. به گفته وی، مسکو تنها پس از برگزاری همه پرسی در شوروی حاضر به ادامه مذاکره در باره استقلال لیتوانی است. در این همه پرسی قرار است ادامه موجودیت اتحاد شوروی به رأی همه مردم گذاشته شود.

پس از اقدامات اعتراضی مردم لیتوانی به افزایش قیمتها، نخست وزیر این جمهوری در پارلمان به سختی مورد حمله قرار گرفت. همزمان با این تحولات، نمایندگان پارلمان لیتوانی به تغییر قانون اساسی این جمهوری رأی دادند تا رأی عدم اعتماد به دولت تنها با اکثریت ساده آرای پارلمان امکان پذیر شود. پس از تظاهرات سه شبه در برابر پارلمان لیتوانی، ساختمان شورای عالی توسط پلیس و نیروهای شبه نظامی و فادار به دولت این جمهوری مورد محافظت قرار گرفت.

در لیتوانی و استونی دولت های این دو جمهوری از مسکو برای حل مشکل سران و و مشمولان غایب تا روز یکشنبه ۱۳ ژانویه مهلت خواسته اند.

دولت خانم کازیمیرا پرونسکینه در لیتوانی روز سه شنبه هشتم ژانویه استعفا داد. این استعفا بدنبال برگزاری تظاهرات گسترده علیه افزایش قیمت هادر لیتوانی و پس گرفتن این تصمیم از سوی پارلمان جمهوری لیتوانی صورت گرفت. بدنبال استعفای دولت لیتوانی، نیروهای ارتش شوروی در روز چهارشنبه نهم ژانویه مواضع حساس ویلنا پایتخت این جمهوری بالتیک را تصرف کردند.

روز هشتم ژانویه، ویلنا شاهد تظاهرات حدود ۵۰ هزار نفر در برابر ساختمان پارلمان لیتوانی علیه افزایش قیمت مواد غذایی تا سه الی پنج برابر بود گروهی از مردم شرکت کننده در تظاهرات کوشیدند مقر پارلمان را به تصرف خود در آورند. بدنبال این تظاهرات، پارلمان تصمیم دولت خانم پرونسکینه مبنی بر افزایش قیمت ها را به حالت تعلیق درآورد.

دولت آمریکا تصمیم دولت شوروی برای اعزام نیرو به جمهوری های بالتیک را مورد انتقاد قرار داد. مارلین فیتزواتر سخنگوی کاخ سفید، اقدام مسکو را "تحریک آمیز و غیر سازنده" خواند. وی گفت واشنگتن رهبری شوروی را فراموشی خواند "به چنین تلاشهایی ارباب پایان داده و بار دیگر به مذاکرات هاری از فشار و اعمال زور باز گردد."

از روز دوشنبه هفتم ژانویه، واحدهای چتر باز ارتش شوروی در سه جمهوری بالتیک و نیز در گرجستان، ارمنستان، مولداوی و اوکراین وارد عمل شده اند تا به مقامات محلی نظامی در یافتن سران فراری و مشمولان خدمت یاری رسانند.

تلاش برای جلوگیری از تجزیه یوگسلاوی

"التیماتوم" بلگراد را رد کرده و تاکید نمودند در برابر فرمان خلع سلاح مقاومت خواهند کرد.

مطبوعات یوگسلاوی می نویسند "نیروی دفاعی منطقه ای" سلوونی مجهز به سلاحهای آمریکایی است. این سلاحها را یک شرکت خصوصی بطور غیر مجاز از ایتالیا وارد کرده است. در کرواسی، طرفداران دولت حاکم این جمهوری از مجارستان ۴۶ هزار مسلسل کلاشینکف وارد کرده اند. خلع سلاح این نیروها بدون درگیری امکان پذیر نخواهد بود.

آلبانی: پناهندگی دسته جمعی به یونان

به موجب طرح قانون اساسی جدید آلبانی که هفته گذشته در مطبوعات این کشور انتشار یافت، شهروندان آلبانی حق دارند "در داخل کشور آزادانه مسافرت کنند و از کشور خارج یا به کشور وارد شوند."

دولت یونان، حکومت آلبانی را متهم کرده است که برای تاثیر گذاشتن بر نتایج انتخابات قریب الوقوع این کشور، شهروندان یونانی الاصل آلبانی را آنچنان در تنگنا قرار می دهد که ناچار به ترک کشور شوند.

مزاران تن از مردم آلبانی با عبور از مرزهای این کشور با یونان، به یونان پناهنده شدند. بدنبال گسترش این فرار جمعی دولت آلبانی اعلام کرد شهروندان این کشور مجاز به ترک آلبانی اند و بدین منظور نیازی به عبور غیرقانونی از مرز ندارند. خبرگزاری رسمی آلبانی در گزارشی پیرامون یک نشست کابینه این کشور خاطر نشان کرد که هر شهروند آلبانی از حق مسافرت برخوردار است.

از هنگام آغاز اولین اصلاحات در آلبانی، تاکنون ۵ هزار نفر از شهروندان این کشور که اکثر آلبانی الاصل اند، آلبانی را ترک کرده اند.

اسرائیل چهار فلسطینی را اخراج کرد

اسرائیل علیه رقم اعتراض شورای امنیت سازمان ملل روز هشتم ژانویه چهار فلسطینی اهل منطقه اشغالی نوار فزه را اخراج کرد و به لبنان فرستاد. این چهار نفر عضو گروه اسلامی "حساس" اند. مقامات اسرائیلی آنها را متهم به تحریک به قتل سه اسرائیلی کرده اند.

آخرین مورد اخراج فلسطینی ها از سرزمین خود توسط اسرائیل ۱۶ ماه پیش از این صورت گرفته بود.

چهار فلسطینی اخراج شده پس از ورود به لبنان گفتند که صبح روز سه شنبه از زندان محل بازداشت خود در نوار فزه با چشمان و دستان بسته در یک هلی کوپتر به لبنان انتقال یافتند. همزمان با این اخراج، در چهار شهر و اردوگاه آوارگان در نوار فزه مقررات منع عبور و مرور برقرار شد.

از آمار انتفاضه، قیام ساکنان مناطق اشغالی فلسطینی که سه سال از همر آن می گذرد، اسرائیل ۴۴ فلسطینی را اخراج کرده است. کمیته بین المللی صلیب سرخ اقدام اخیر اسرائیل را محکوم کرد و خاطر نشان نمود این اقدام نقض حقوق تصریح شده در منشور ژنو برای ساکنان مناطق اشغالی است.

کودتای نافرجام در هائیتی

اقدام شده است.

نقش اصلی را در سرکوب کودتا در هائیتی نیروهای تحت فرماندهی "ژنرال آبراهام" فرمانده نیروی زمینی داشتند. وی در ماه مارس سال ۱۹۹۰ بدنبال گسترش اعتراضات مردم به "ژنرال آوریل او را وادار به استعفا کرده سپس برای مدت چند روز قدرت را به دست گرفته بود. بعد از ژنرال آبراهام زمام امور را به قاضی دیوان عالی، خانم ترویو سپرد. رئیس جمهور موقت منعقد شده بود که تا ماه دسامبر انتخابات را برگزار کند.

بدنبال سرکوب کودتا، مردم هائیتی در خیابانها به شادمانی پرداختند.

ژان برتران آریستید که طی انتخابات ماه دسامبر پیروزی را از آن خود ساخت، یک کشیش پیرو مکتب "الهیات رهائی بخش" است که مورد قضاوت واتیکان قرار دارد. او به عنوان حامی فقرا و طرفدار عدالت اجتماعی شناخته شده است و می گوید با اینکه کمونیست نیست، به کمونیسم احترام می گذارد.

بدنبال انتخاب کشیش ترقیخواه "ژان برتران آریستید" به ریاست جمهوری هائیتی، طرفداران رژیم دووالیه، دیکتاتور سابق، دست به یک کودتای نافرجام زدند. درگیری ۱۰ ساعته میان کودتاچیان و نیروهای دولتی به کشته شدن حداقل ۴۰ نفر و مجروح شدن بیش از ۶۰ تن انجامید. خانم ارتا پاسکال ترویو رئیس جمهور موقت که توسط کودتاچیان بازداشت شده بود، بار دیگر زمام امور را پر دست گرفت. روزه لافونتان رهبر کودتاچیان و سرکرده باند "توتون ماکوت" (شبح وحشت) دارودسته چاقدار و قاتلان حرفه ای طرفدار دووالیه، دستگیر گردید. همزمان با کودتای نافرجام، قتل و غارت و آتش سوزی در هائیتی گسترش یافت و به هرج و مرج انجامید.

در مورد سرکوب رهبر کودتاچیان گزارشهای متناقضی انتشار یافت. در حالی که در برخی اخبار آمده است او همراه با هوامش در یک پادگان زندانی است، گزارشهای دیگری حاکی است که وی راتحت الحفظ به فرودگاه برده اند تا به خارج بفرستند. اما گروه خشمگینی از مردم با اشغال فرودگاه مانع این



روژه لافونتان، رهبر کودتای نافرجام هائیتی (دوم از سمت راست) توسط نیروهای دولتی بازداشت شد.

رئیس جمهور جدید گواتمالا انتخاب شد

۱۱۶ نفری گواتمالا تنها ۱۸ نماینده دارد. این در حالی است که "اتحاد ملی مرکز" به ریاست کارپیونیکول رقیب سرانو در انتخابات رئیس جمهوری از ۴۱ کرسی و دمکرات های مسیحی از ۲۷ کرسی برخوردارند.

علیرغم انتخاب رئیس جمهور غیر نظامی، انتظار می رود که در گواتمالا ژنرال ها همچنان کنترل اوضاع را در دست خود نگه دارند.

خورخه سرانو الیاس به عنوان رئیس جمهور گواتمالا انتخاب شد. وی توانست در انتخابات، رقیب خود کار پیونیکول را شکست دهد. سرانو در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ در رژیم دیکتاتوری ژنرال ریوس مونت ریاست "شورای دولتی" را برعهده داشت. از این رو انتخاب وی در گواتمالا چرخش به راست محسوب می شود.

حزب سرانو، "جنبش اقدام متحد" در پارلمان

برای اشتراك نثریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، قمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	نشریه "کار"	نشریه "اکثریت"
☐ شش ماهه	☐ شش ماهه	☐ شش ماهه
☐ يك ساله	☐ يك ساله	☐ يك ساله
اروپا ۱۱ مارک	اروپا ۳۲ مارک	اروپا ۳۹ مارک
۲۱	۶۲	۷۶
۲۲	۱۲۰	۱۵۰

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید)



بعد از شش سال جنگ داخلی، مسابقه اسب دوانی در بیروت ویران شده.

AKSARIYAT NO. 333 MONDAY 14 Jan 1991	اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور
آدرس: RUZHEN POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY	حساب بانکی M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY